

{ هنر و ارتباطات }

{ به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }



هنر و ارتباطات

مدرس : ناهید خوشنویس

سال تحصیلی 1398-1399

دانشگاه علمی - کاربردی (واحد 15)

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

هنر چیست؟

تجربه بصری انسان نخست به خاطر یاد گیری ، فهم و واکنش او نسبت به محیط است .

قدیمی ترین مطلب ضبط شده از انسان به صورت تصویر است و نزدیک به سی هزار سال پیش ترسیم شده است.

گذشت زمان هنر را به دو گروه هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی تقسیم نموده است و در هر برهه ای از تاریخ دچار تغییر و دگرگونی گشته است، ولی مهمترین عامل جدا نگهداشتن آنها از یکدیگر جنبه مفید بودن و زیبا شناسی آنهاست.

در هنرهایی چون نقاشی، معماری، مجسمه سازی، و صنایع دستی بیشتر به هنرهای زیبا نزدیک است؛ درحالیکه طراحی صنعتی ، گرافیک و عکاسی در زمره هنرهای کاربردی بشمار می روند .

کلمه ساده هنر غالباً به هنرهای تجسمی و بصری میگویند ولی هنر ادبیات و موسیقی(نوشتاری و شنیداری) را هم در بر میگیرد .

هنر پوششی است برای آفرینش صور لذت بخش که این صور لذت بخش حس زیبایی را در ما بوجود می آورد . افلاطون هنر را نتیجه زندگی زمینی می داند .

تولستوی هنر را بیدار کردن احساسات در ضمیر افراد تلقی می کند که هر انسانی آن را تجربه کرده است

دکتر مددپور در کتاب «تجلی حقیقت در ساحت هنر» ضمن تاکید به سابقه بسیار طولانی هنر و ریشه لفظ که به زبان اوستایی و سانسکریت برمی گردد می نویسد: شاعران و هنرمندان مقام خدایگان و قدیسان و انبیاء را برای مردم داشتند.

ذات هنر تماماً یا در عبادت تبیین می یافت یا معنی بخش همه شئون حیات انسانی بود و در ادبیات قدیم، هنر به معنی کمال و فضیلت تلقی می شد.

-
-

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

- هنر مفهومی نسبی است و یک تعریف مطلق و واحد را برای آن نمی توان در نظر گرفت. به همین جهت تعاریف متعددی از زوایای متفاوت برای هنر شده است از جمله تعاریف زیر :
- 1- هنر هر آنچه زیباست و به زیبایی مربوط می شود و زیبایی آن چیزی است که انسان از آن خوشش می آید و دوست دارد تکرار شود .
- 2- هنر چیزی است که باعث پالایش و والایی و اعتلای روح انسان می شود . اخلاق گراها و افرادی که از عنوان هنر برای اجتماع دفاع می کنند حامی اصلی این نظریه هستند. اما دو اشکال به آن وارد است اول اینکه شاید آن چیزی که به عنوان اخلاق معرفی می شود واقعا اخلاق نباشد و دوم اینکه همه ی کاربرد موضوعات اخلاقی و اجتماعی در همه ی هنرها یکسان نیست .
- 3- نسخه برداری ، کپی برداری و اقتباس از طبیعت را هنر می گویند. یعنی هر چیزی که در دنیا وجود دارد باید به تصویر کشیده شود ، اشکالی که به این تعریف وارد است اینست که واقعا نمی توان همه ی چیزهای موجود در طبیعت را به تصویر کشید.
- 4- هنر بیان احساس و عواطف آدمی است که از طریق برداشت هایش از زندگی و جهان هستی بدست می آید. همین تعریف را می توان به این صورت نیز بیان داشت هنر فعالیتی است انسانی که یک فرد بطور آگاهانه احساسات خود را به دیگران منتقل میکند چنانکه دیگران نیز از آن احساسات متاثر می شوند.
- 5- تعریف اصلی هنر می گوید که مجموعه ای از تعاریف بالا است یعنی هنر تلفیقی است از تمام آنها ولی همه ی آن ها با هم نیست

• انواع هنر

- از نظر ارتباط با مخاطبین هنر به سه دسته تقسیم می شود :
- 1- هنر متعالی:
- هنری است که مربوط به جوشش استعداد های درونی یک هنرمند می شود ، دارای پیچیدگی است و برای همه قابل فهم نیست، پیروان آن کمتر است، گرانقیمت است، محدود است، قابل دسترسی نیست،

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

مخاطب کمتری از آن لذت می برد، بیشتر مربوط به قشر نخبه ، دانشمندان، هنرمند و پولدار جامعه است، تخصص و انفرادی است .

2- هنر عامه پسند:

مربوط به قشر متوسط به بالای جامعه است، سرگرم کننده است ، مردمی است، مخاطب را ارضاء می کند، هزینه ی کمی دارد، قابل دسترسی است، نیاز به جمع مخاطبان دارد، تخصص نیاز ندارد.

3- هنر مبتذل:

فقط و فقط تجاری است، سطح بسیار پایینی دارد، از لحاظ مخاطب بعد از هنر عامه پسند قرار دارد، رسانه ها برای بدست آوردن منابع مالی و استمرار آن وابسته به آگهی ،تبلیغات و بازخورد هستند بنابراین نیاز دارند که مخاطبانشان زیاد شوند ، بنابراین روی به هنر مبتذل و هنر عامه پسند می آورند .

هنرهای هفتگانه

- 1- هنر های دستی : مثل مجسمه سازی ، قالی بافی ، منبت کاری ، شیشه گری و ...
- 2- هنرهای ترسیمی : مثل خط و نقاشی
- 3- هنر موسیقی : چهار عنصر مهم در هنر موسیقی شامل : سازنده ی ساز ،خواننده ،رهبر گروه و آهنگساز .
- 4- هنر معماری : هنری است که از طراحی ، نقشه کشی ، تا اجرای یک اثر هنری را شامل می شود و می خواهد فضا را در سه بعد برای بیننده به ترسیم کند
- 5- هنر حرکات نمایشی: مثل حرکات آکروباتیک ، رقص و ...
- 6- هنرهای ادبیاتی: مثل شعر ، داستان ، فیلم نامه ، نمایشنامه و ...
- 7- هنر سینما ، فیلم و تئاتر: فیلم این قابلیت را دارد که تمام هنرهای ششگانه ی قبلی را می توان در آن نمایش داد به همین دلیل تأثیر بیشتری از سایر هنرها دارد

8. هنر هشتم روابط عمومی

تقسیم بندی هنر از لحاظ پیشینه

1- هنرهای سنتی:

مثل نقاشی ، خط و هنرهای دستی که از **پیدایش بشر** با وی همراه بوده اند و در طی قرون و اعصار تکامل یافته و عمدتاً شامل مفاهیم فرهنگی و مذهبی و آداب و رسوم را در بر می گیرند .

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

2- هنرهای مدرن:

باید هنرمند قالب های نو و جدیدی پیدا کند، به نحوی هنرمند را وادار به نوگرایی می کند. مثل شعر نو در برابر شعر کلاسیک ، هدف آن مثل هنرهای سنتی فقط ارائه ی لذت برای مخاطب نیست بلکه اهداف دیگری را در نظر دارد.

هنر مدرن با مسایل مذهبی به شدت مخالفت دارد ، هنری است عقل گرا و خردگرا و معتقد است عقل و خرد می تواند انسان را به خوشبختی و سعادت برساند. به موضوعات اومانیسیم (انسان گرایی) خیلی اعتقاد دارد و انسان را در صدر همه ی کارهای خود قرار می دهد و انسان را موضوع مطلب و تجزیه و تحلیل خود قرار می دهد .

3- هنرهای پست مدرن:

* این مکتب ، مکتب مدرن را قبول ندارد و مخالف شدید آنست چرا که معتقد است خرد و عقل بشر را به خوشبختی و سعادت نرسانده است.

* معتقد است چیزی به نام حقیقت، جامعیت و عینیت وجود ندارد و مخالف آنست. این مکتب نسبی گراست و معتقد است که هر موضوع را باید در ظرفیت خود بررسی کرد.

* پست مدرنیسم مخالف سلطه ی انسان روی محیط زیست است، و نیز مخالف برتری گرایی است و می گوید هر چیزی را باید بومی و محلی بررسی کرد.

واقعیت های مهم در باره هنر

- 1- هنر در زمان شکل می گیرد و وابسته به زمان است.
- 2- نیروهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی در هنر تأثیر شگرف دارند .
- 3- هنر هدف دارد و مانند آینه تلاش می کند تا برگردان تصویری از جامعه و تاریخ باشد. روابط عمومی نیز تلاش می کند تا آینه تمام نمای بیرون برای داخلی ها و داخل برای بیرونی ها باشد و کلیه نیروهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و ... بر آن تأثیر دارد.
- 4- جامعه بدون هنر پژمرده و مرده است.
- 5- روابط عمومی از دل هنر پدید می آید و هر دو از یک جنس بشمار می روند. روابط عمومی شاخه ای از هنر نیست، بلکه روابط عمومی عین هنر است.
- 6- چنانچه جامعه ای از آثار هنری خالی باشد، در زندگی فردی و اجتماعی آن خلاء عظیمی به وجود خواهد آمد. همانگونه که اگر روابط عمومی را حذف کنیم، زندگی موازنه خود را از دست می دهد. زندگی بدون رنگ،

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

بدون شعر، بدون معماری، بدون نقاشی، بدون موسیقی، سینما و تئاتر و دیگر ابزارهای هنری ناقص خواهد بود. کمبود آن انسان را در خلاء رها خواهد کرد.

7- هنر ضرورت یک جامعه است. ضرورتی است که در جهت رشد و باروری اندیشه‌ها و فرهنگ و زندگی، جاری و ساری است.

8- هر نوع هنری حتی اگر از نوع سطحی‌ترین هنرها باشد، در صورتی که در خدمت فکر و اندیشه درآید قابل توجه است. اما اگر هنر در خدمت فکر و اندیشه نباشد، باید آن را فراموش کرد .

9- هنر همیشه پابرجاست. مثل یک کوه مقاوم و استوار است و فرهنگسازی می‌کند و زایش دارد.

10- هنر باید ضمن حفظ جنبه‌های هنری خود، پیشگام مردم و جامعه حرکت کند. هنر نمی‌تواند پسگام مردم باشد.

حتی هنری که همگام با مردم باشد هنر واقعی نیست. هنرمند باید بتواند از مردم پیشی بگیرد و به جامعه نگاه کند، او باید پیشقراول باشد. خطر کند و جان ببازد و لذت جان باختن را در آگاه کردن مردم پیدا کند و جامعه را بسوی بالا و بالاتر هدایت کند. هنرمندی که گام به گام با مردم حرکت می‌کند، هنرمند نیست. دستگاه

ضبط‌کننده است. تکنولوژی است. تصویربردار و صدابردار است. صنعت است. هنر مند باید خلاقیت داشته باشد.

11- هنر از دل مردم می‌جوشد. اما هنرمند چیزی به مردم می‌دهد که یا نمی‌دانند یا کمتر می‌دانند و معمولاً بی‌توجه از آن عبور کرده‌اند. هنرمند در دل مردم مکث ایجاد می‌کند. آن‌ها را متوقف می‌سازد. آن‌ها را به تفکر دوباره وامی‌دارد. آن‌ها را به خانه تکانی فکر و اندیشه و دل وا می‌دارد .

12- آثار هنری تجارب انسانی است که شکل گرفته‌اند و ما از دریچه حواسمان به آنها می‌نگریم و لذت می‌بریم. هر اثری براساس قواعد زمان و مکان و تمدنی خاص بنا شده است

پیشینه هنر و مهم ترین مکاتب هنری

تقسیم بندی گفته شده در قسمت قبل بسیار کلی بود.

در این فصل ابتدا به صورت اجمالی پیشینه هنر بررسی می‌شود و سپس به تفکیک به مهم ترین مکاتب ها اشاره می‌شود.

هنرمندان در طول تاریخ اغلب آثار هنری خود را بر زمینه‌هایی چون دیوار غارها سخره های سنگی ظروف سفالی و غیره ثبت میکردند .

مشاهدات هنرمندان

گاه به صورت دید عینی یا طبیعت گرا بود

و گاهی به صورت تصاویر ذهنی که اغلب در دنیای تخیل شکل می‌گرفت

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

1* اولین گرایش نقاشی با دید عینی در یونان باستان بوجود آمد هنرمندان یونانی به نمایش طبیعت علاقه خاصی داشتند

2* تجربیات یونانیان بعدها به دست رومیان کاملتر شد .

رومیان به نقاشی صحنه های روزمره علاقه خاصی داشتند نقاشان رومی با کوچک کردن پیکره و عناصر درون تصویر به نقاشی عمق بخشیدن سپس به شبیه سازی چهره پرداختند .

3* سپس با ظهور مسیحیت گرایش به نقاشی های مذهبی بیشتر شد . و بیشتر آثار به عالم معنویت و بزرگان دینی می پرداختند.

4* با ورود هنرمندان به دوران رنسانس قوانین پرس پکتیو و استفاده از ترکیب بندی های هندسی مانند مثلث حالت تعادل را بوجود آوردند .

و همچنین تاکید بر حجم های سه بعدی در این آثار بیشتر شد . تابلوی مونالیزا و نقاشی شام آخر از داوچی از آثار این دوره است .

5* گاه نمایش احساسات و عواطف درونی و خیالپردازی های شاعرانه مورد توجه هنرمند قرار میگرفت همانند آثار رومانسیسم

6* پس از تحولات اجتماعی و اقتصادی علاوه بر کلیسا قشر متوسط جامعه نیز جزو سفارش دهندگان آثار هنری بودند. به این ترتیب توجه نقاشان به موضوعات دیگری همچون امور زندگی و مسائل روز مره جلب شد و هنرمندان سبک رئالیسم پدیدار شدند

در سبک رئالیسم دیگر از شاهزادگان در حالت های تفصیلی خبری نبود و معمولا کشاورزان و کارگران و مردم فقیر موضوع نقاشی بودند.

7* گروهی از نقاشان به نقاشی در فضای باز طبیعت پرداختند .

هنرمندان این سبک لحظاتی از تصاویر طبیعی که به سرعت انجام میشد را ثبت میکردند . و تفاوت نور در ساعت های مختلف و ابر ، روی یک موضوع بررسی میکردند و به این ترتیب قواعد رنگ آمیزی را دگرگون کرده رنگ سیاه را از کار خود حذف نموده و آثاری غرق در لکه های رنگ با ضربه های قلمو بوجود آوردند . هنرمندان این سبک را امپرسیونیسم ها مینامند ، ادوارد مانه و کلود مانه از هنرمندان این سبک می باشند.

8* پس از امپرسیونیسم روش های جدیدی همچون کوبیسم به بیان جدیدی از واقعیت دست یافتند.

هنرمندان از دید عینی رها شده و در جستجوی واقعیت در دید ذهنی خود بودند .

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

9* سپس نقاشان سورنالیسم با بیان احساسات و برداشت های شخصی بتدریج

از عالم واقعی به عالم ماورا روی آورده و دنیای نا خود آگاه درون را به نمایش گذاشتند.

از هنرمندان این دوره سالوادور دالی را میتوان نام برد

مهم ترین مکاتب هنری

1* دادائیسم (پوچ گرایي):

مکتبی است که بعد از جنگ جهانی اول و در دوران هرج و مرج کشورهای اروپایی بوجود آمد و کانون تشکیل آن کشور سوئیس بود

* مکتبی است که در سال **1916** تشکیل شد و به دلیل دیدگاهی که به جهان اطراف خود داشت ، خیلی زود و در سال **1922** نابود شد.

. مبنای آن هرج و مرج، ناامیدی، پریشانی، پوچ گرایي، بی شکلی مطلق، نابودگرایی خودآفرینندگی است.

در این مکتب هیچ چیز دنیا مورد قبول نیست و حتی خودش را.

حرف اساسی آن در زندگی طغیان بر علیه سه عنصر اجتماع ، اخلاق و هنر است. ساختارشکنی *

*می خواهد در گام اول ادبیات و در گام بعدی انسان را از زیر سلطه ی عقل و منطق و زبان خارج کند .

*ضد خردورزی است

*این مکتب بیشتر در شعر ، موسیقی و گرافیک وارد شد و در حقیقت انقلابی برای تغییر و ساختارشکنی مفاهیم هنری محسوب می شود

* از پیروان اصلی این مکتب می توان مارسل دوشان و ماکس ارنست را نام برد.

*البته ماکس ارنست بعدها با الهام از مکتب دادائیسم، مکتب دیگری به نام سورنالیسم بوجود آورد

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

2* رئالیسم (واقع گرایی):

مبنای آن بیان واقعیت مطلق است ، واقعیتی که بدون خوشایندگری و احساسات گرایبی بیان می شود. تولستوی و چارلز دیکنز را می توان از پیروان این مکتب به حساب آورد. موضوعاتی که رخ داده را عین واقعیت بیان می کند بدون کم و کاست. پیروان این مکتب با مکاتب ایدئالیسم و رومانتیسم مشکل دارند .

3* سورئالیسم (فرا واقع گرایی ، یا وهم گرایی):

یکی از جنبش های هنری قرن بیستم است. سورئالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است.

زمانی که دادائیسم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیست ها بود، گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را پی ریزی کردند. این شیوه در سال ۱۹۲۲ به طور رسمی از فرانسه آغاز شد و فراواقع گرایی نامیده شد. این مکتب بازتاب نابسامانی ها و آشفتگی های قرن بیستم است. سورئالیسم را می توان یک جنبش هنری_اجتماعی بنیادستیز به شمار آورد. میل به ایجاد دگرگونی در زندگی روزمره از طریق آشکارسازی امر شگفت انگیز و تصادفی عینی نهفته در نظم ظاهری واقعیت دانست

مسلك سورئالیسم در حوزه های مختلف فلسفی رویکردهای زیر را اختیار کرده است:

- ❖ فلسفه علمی که همان رویکرد فروید به روانکاوی است.
- ❖ فلسفه اخلاقی که با هرگونه قرارداد مخالف است.
- ❖ فلسفه اجتماعی که می خواهد با ایجاد انقلاب سورئالیستی بشریت را آزاد کند.
- ❖ شعر در سورئالیسم مرتبه ویژه ای دارد و پیروان این مکتب کوشیده اند که جهان بینی خود را از طریق شعر انتقال دهند. در واقع شعر را، رکن اساس زندگی می دانند زیرا عقیده دارند که شعر باید و می تواند مشکل زندگی را حل کند
- ❖ فلسفه اجتماعی سورئالیسم،
- ❖ شعار سعادت بشری را دارد و می خواهد آدمی را از قید تمدن سودجوی کنونی نجات بخشد،

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

❖ در عین اینکه بازگشت به گذشته را هم نمی‌پذیرد.

❖ در اصل از مواد مرام نامه این مکتب به خوبی می‌توان دریافت که بنیان‌گذاران این مکتب در

❖ اندیشه‌هایی از هر نوع اسارتند و هدف آن در وهله اول پاشیدن آبی بر جنگ بوده‌است.

Idealism 4 * ایده آلیسم (آرمان گرایی):

طرح مسئله اساسی فلسفه رابطه فکر (ذهن) است با هستی (عین).

به عبارت دیگر مسئله رابطه شعور انسانی است با جهان مادی خارج.

این مسئله اساسی دارای دو جهت است.

جهت اول مسئله تقدم ماده‌است بر شعور یا شعور بر ماده؟

همه مکاتب فلسفی طبق پاسخی که به این مسئله اساسی می‌دهند به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند.

5* ماتریالیست‌ها و ایده آلیست‌ها

کسانی که معتقدند ماده قبل از پیدایش شعور وجود داشته و شعور نتیجه تکامل طولانی ماده‌است ماتریالیست‌ها نام دارند.

ماتریالیسم اندیشه‌ها را زائیده و محصول فعالیت مغز انسانی می‌شمرند

کسانی که معتقدند شعور مقدم بر ماده و مستقل از ماده‌است و به صورت «عقل محض» یا به صورت

«محسوسات و ذهنیات انسان» خالق جهان مادی است ایده آلیست‌ها نام دارند.

آن‌ها اندیشه و شناخت را عامل اولیه و مبداء نخست و دارای تقدم می‌شمرند.

گاه با ترجمه ساده‌ای

ماتریالیست‌ها را مادیون و ایده آلیست‌ها را آرمان‌گرایان می‌خوانند

و می‌گویند که مادیون یعنی کسانی که دنبال منافع مادی هستند نظر به مادیات و سود شخصی دارند با

حرص و آز به دنبال ثروت و شهرت می‌روند.

ولی ایده آلیست‌ها یعنی کسانی که نظر به معنویات دارند و به دنبال آرمانی عالی بوده و خود را وقف ایده و

اندیشه‌ای نموده‌اند.

واضح است که این گونه ترجمه و تعریف معانی ماتریالیسم و ایده آلیسم نادرست است.

ایده یعنی تصورات ذهنی (اعم از حسی، خیالی یا عقلی) و آرمانگرایی یعنی مسلک کسانی که تنها ایده و

تصورات ذهنی را واقعی می‌دانند و به وجود خارجی جهان خارج و یا به عبارت دیگر به وجود جهان مستقل از

ادراک قائل نیستند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

آرمانگرایان به واقعیت‌های خارجی مانند آسمان، زمین، حیوان، اشخاص دیگر و به طور کلی آن چه با حواس درک شود، اعتقاد ندارند و همه جهان را خیال و پندار می‌دانند و می‌گویند: ما جز واقعیت وجود خود و یک رشته پندارهای ذهنی به وجود چیز دیگری در جهان اعتقاد نداریم؛ زیرا آنچه را که جهان خارج از خود می‌نامیم، به هیچ وجه نمی‌توانیم درک کنیم مگر با قوه ادراک خود و قوه ادراک چیزی بیش از تصورات مختلف در اختیارمان قرار نمی‌دهد.

گاه با ترجمه ساده‌ای
ماتریالیست‌ها را مادیون و ایده آلیست‌ها را آرمان‌گرایان می‌خوانند
و می‌گویند که
مادیون یعنی کسانی که دنبال منافع مادی هستند نظر به مادیات و سود شخصی دارند با حرص و آز به دنبال ثروت و شهرت می‌روند.
ولی ایده آلیست‌ها یعنی کسانی که نظر به معنویات دارند و به دنبال آرمانی عالی بوده و خود را وقف ایده و اندیشه‌ای نموده‌اند.
واضح است که این گونه ترجمه و تعریف معانی ماتریالیسم و ایده آلیسم نادرست است.

امروزه معنی اصلی و شایع آن، این است که:

ایده یعنی تصورات ذهنی (اعم از حسی، خیالی یا عقلی) و آرمانگرایی یعنی مسلک کسانی که تنها ایده و تصورات ذهنی را واقعی می‌دانند و به وجود خارجی جهان خارج و یا به عبارت دیگر به وجود جهان مستقل از ادراک قائل نیستند.

آرمانگرایان به واقعیت‌های خارجی مانند آسمان، زمین، حیوان، اشخاص دیگر و به طور کلی آن چه با حواس درک شود، اعتقاد ندارند و همه جهان را خیال و پندار می‌دانند و می‌گویند: ما جز واقعیت وجود خود و یک رشته پندارهای ذهنی به وجود چیز دیگری در جهان اعتقاد نداریم؛ زیرا آنچه را که جهان خارج از خود می‌نامیم، به هیچ وجه نمی‌توانیم درک کنیم مگر با قوه ادراک خود و قوه ادراک چیزی بیش از تصورات مختلف در اختیارمان قرار نمی‌دهد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

به عبارت دیگر آنها وجود عالم خارج یا این پندارها را صرفاً ساخته ذهن خود می‌دانند و نظرشان این است که ما فکر می‌کنیم که واقعیتی به نام درخت وجود دارد، ولی هرگز نمی‌دانیم که آیا در خارج از ذهن چنین واقعیتی هست یا نه؟

برخی از ایده‌آلیست‌ها گام را فراتر نهادند و کلیه واقعیت‌های خارجی حتی وجود خود و علم به هر چیزی را انکار کردند که در یونان قدیم به سوفسطائی یا سوفسیت مشهور شدند.

در واقع آرمانگرایی به معنای اصالت تصور و در مقابل واقع گرایی قرار دارد که به معنای اصالت واقع یا اصالت وجود خارجی موجودات جهان محسوس است و آرمانگرا کسی است که جهان خارج از ذهن را منکر است.

6* (تخیل گرایی پراحساس):

رمانتیسم ROMANTISME

رمانتیسیسم را همان‌طور که از نامش پیداست، باید نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به‌شمار آورد. تمایلی به برجسته کردن خویشتن انسانی، گرایش به سوی خیال و رؤیا، به سوی گذشته تاریخی و به سوی سرزمین‌های ناشناخته.

از دید انسان رمانتیک، جهان به دو دسته تقسیم می‌شود:

یکی دسته خردگرا (به قول نووالیس: جهان اعداد و اشکال)،

و دوم دسته احساسات یا به‌طور دقیق‌تر، والترین‌ها و زیبایی‌ها.

می‌توان شروع رمانتیسیسم را اینگونه بیان کرد.

1* فلاسفه عصر روشنگری، عقل را محور و معیار شناخت جهان می‌دانستند (عقل‌گرایان).

2* فلاسفه و دانشمندان دیگری همچون نیوتن جان لاک اعتقاد به تجربه داشتند.

یعنی اصول شناخت جهان چیزی است که از طریق حواس وارد عقل می‌شد (تجربه‌گرایان)

3* به مرور روشن شد که هر دو دیدگاه نمی‌تواند به شکل رضایت بخشی جهان و عالم پیرامون ما را توصیف کند. اینجا بود که گزینه سومی که شامل احساس بود وارد شد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

رمانتیسم در اصل، جنبشی هنری بود که در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم در ادبیات و سپس هنرهای تجسمی، ابتدا در انگلستان و سپس آلمان، فرانسه و سراسر اروپا رشد کرد.

رمانتیسم تا حدودی ضد جامعه‌اشرفی و دوران روشنگری (به‌طور بهتر، عقلانی) بود. گفته می‌شود که ایدئولوژی انقلاب فرانسه و نتیجه‌های آن این طرز فکر را تحت تأثیر خود قرار داد رمانتیسم را جنبشی ضد روشنگری می‌دانند.

متفکرین و هنرمندان رمانتیک،

تأکید فرهنگی بر خرد را محدودکننده و سرکوبگر روح آدمی می‌دانستند

و بر مؤلفه‌هایی چون هنر، شور، هیجان، تخیل، مضامین معنوی، مناسک و نمادها تأکید می‌کردند.

ژان ژاک روسو از مهم‌ترین متفکرین رمانتیک می‌گوید:

«در نهایت، عقل راهی را در پیش می‌گیرد که قلب حکم می‌کند.»

هنرمند رمانتیک توده را دشمن می‌داند و چون از زندگی در اجتماع خویش گریزان است به دامن خیال‌ها و اندیشه‌های خویش پناه می‌برد و به دوران‌های باستانی و سده‌های میانه و روزگار کودکی و سرزمین آرزوها و تنهایی بازمی‌گردد.

رمانتیسم فریاد خشم و اعتراض ضد بندگی انسان، کشاکش‌های سرمایه‌داری و برگرداندن به شهرهای کارگری و ضد صنعتگران سرمایه‌دار است.

اصول رمانتیسیسم

- 1) اهمیت دادن به فردیت و احساس هنرمند.
- 2) در این مکتب احساس به خاطر احساس و عاطفه به خاطر عاطفه اهمیت دارد.
- 3) عدم تبعیت از قوانین ثابت و پیروی از امیال ذهنی.
- 4) برتر شمردن عواطف انسانی و مسائل معنوی (رمانتیسیسم در نقاشی با عبارت برتری و غلبه احساس بر عقل توصیف می‌شود).
- 5) استفاده از هنر به عنوان وسیله‌ای برای تحریک احساسات.
- 6) نمایش فضاهای خیال‌انگیز و اسرارآمیز و حالت غیرعادی آشفته و گاه جنون‌آمیز انسان‌ها.
- 7) نمایش هیجان طوفان و طبیعتی سرکش شیوه‌ای پر از حرکت و رنگ را می‌طلبد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

- آزادی؛ بدین معنی که هنرمند هر بخشی از زندگی را که خواست می‌تواند آزادانه به تصویر بکشد.
- 8) رمانتیک‌ها با نوعی حالت عارفانه به زندگی می‌نگرند (کشف و شهود). 9)
- 10) کوشش برای فرار از واقعیت که افراط رمانتیک‌ها در این اصل باعث پیدایش جنبش واقع‌گرایی شد.¹

7* ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی):

Naturalisme

گرایش و جنبش ادبی است که اواخر قرن نوزده تحت تأثیر نظریات داروین شکل گرفت.

این جنبش بر پایهٔ یک رنالیسم سفت و سخت اجتماعی بنا شد و به‌دور از نمادگرایی، ایدئال‌گرایی و احساسات‌گرایی‌های مرسوم، بر جزئیات روزمرهٔ زندگی تأکید می‌کرد، چرا که رفتار آدمی و سرنوشتش را در چارچوب جبر تحمیل شده از سوی وراثت و محیط به رسمیت می‌شناخت.

. امیل زولا از طرفداران این مکتب به حساب می‌آید .

8* کوبیسم (حجم‌گرایی)

: Cubisme

تصاویر با خطوط هندسی کشیده می‌شود

و سایه‌ها از بین می‌روند ،

بدین ترتیب اشیاء معنای طبیعی خود را از دست می‌دهند و معنای هنری می‌یابند ،

پاپلو پیکاسو و ژرژ براک را می‌توان از پیروان این مکتب به حساب آورد

9* هنر جنبشی:

این هنر توصیف‌گر حرکت مجازی با حرکت واقعی میباشد .

هدف هنرمندان این سبک بیرون آوردن هنرمندان از گالری‌ها و موزه‌ها به فضای باز است .

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

مثل پیکره های متحرک که در درون ساعتها طراحی می شد و یا آثاری که با جریان هوا بحرکت در می آمد .
اثر جنبش سیاه و قرمز از الکساندر کالدرا از این نمونه است.

10* هنر آخال کاری :

هنری که از مواد بی مصرف ، دورریزها و ضایعات بی ارزش ساخته شده باشد هنر آخال کاری میگویند.
این شیوه واکنشی است شورشی در برابر مواد زیبایی که در آثار هنری تا قبل از دهه 1950 ساخته میشد .
در این سبک از کلاژ استفاده میشود .

رابرت روزنبرگ در آثار خود اقدام به چسباندن گلیم و پارچه های دورریز در بوم نقاشی کرد.

در ژاپن نیز زیاله ها و ضایعات بجا مانده از جنگ گاهی به آثار هنری تبدیل می شود.

11* هنر بیزانس

Byzantine art

این سبک هنری یک سبک هنری مذهب است که در آن آموزه های دینی با بیان هنرمندانه در کلیسا به تصویر کشیده میشد ، در این سبک اگر هنرمند تلاش میکرد ، به نو آوری دست پیدا کند خطر اتمام به کفر را بجان میخرید .

چوپان مقدس و عروج مسیح نمونه هایی از این نوع هنر است.

نامی است برای ساخته های هنری امپراتوری بیزانس یا امپراتوری روم شرقی و همچنین به عنوان ملت ها و دولت هایی که از دیدگاه فرهنگی این هنر را از امپراتوری دریافت کردند و تحت تأثیر آن قرار گرفتند، اگر چه خود این امپراتوری از تجزیه روم پدید آمد ولی تا زمان سقوط قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ این امپراتوری توانست هنر بیزانسی را به کشورها و کلیساهای ارتدوکس در شرق اروپا و همچنین به برخی از کشورهای مسلمان شرق مدیترانه صادر کند

زیبایی و زیبا شناسی

در جهان امروز سه هزار زبان وجود دارد ولی زبان تصویر و موسیقی یکی است فلاسفه اعتقاد دارند .

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

زیبایی خاطره ای است ازلی که ما در کودکی یاد گرفته ایم و حال هرچه را می بینیم و درک می کنیم فکر می کنیم زیباست .

عده ای اعتقاد دارند چیزی زیباست که در سر جای خود باشد. بنابر این نظم را زیبایی می دانند. اما زیبایی و زیبایی شناسی امری است نسبی و بستگی به برداشت انسان دارد و طی قرون و اعصار در کشورهای مختلف و با شرایط آب و هوایی متفاوت و نیز تحت تاثیر شرایط اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی آثار هنری بزرگی بوجود آمده اند، که شبیه به یکدیگر نبوده اند ولی تمام آن ها را آثار بصری نامیده اند

در تقسیم انواع زیبایی می توان گفت زیبایی به 5 گونه وجود دارد

1- زیبایی مطلق : که جزو ذات خداوند است و کانون تمام زیبایی هاست

2- زیبایی طبیعی: که اغلب در طبیعت یافت می شود

3- زیبایی جسمی: مانند چهره زیبا

4- زیبایی عقلی: مانند فکر و اندیشه زیبا

5- زیبایی اخلاقی: مانند خلق و خوی زیبا

اصول زیباشناختی هنر

فنون و کیفیات خاص بصری، بیشتر حاصل تجربه و ممارست هنرمند در به کار بردن عناصر بصری می باشند

مانند : ترکیب تعادل، تکرار و تاکید ، و کنتراست که به نیروهای بصری یک اثر تجسمی استحکام می بخشند.

(1) ترکیب

(2) تعادل

(3) تکرار و تاکید

(4) کنتراست

1- ترکیب بندی یا کمپوزسیون : COMPOSITION

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

در واقع ترکیب عاملی است که با سامان بخشیدن مؤثر به چگونگی چیدمان و نظم عناصر بصری در یک فضا و کادر مشخص بر اساس ذهنیت هنرمند و روابط تجسمی ، سبب می شود تا مخاطبان اثر بتوانند به طرز مؤثری با آن ارتباط برقرار کنند.

در یک ترکیب موفق اجزا از کل قابل تفکیک نیستند.

زیرا یک اثر وحدت یافته معنایی فراتر و کلی تر از اجزای خود دارد. **ایجاد یک ترکیب موفق** هم در جلب توجه مخاطب و بیننده مؤثر است و هم در رساندن پیام بصری مورد نظر هنرمند به مخاطب.

کمپوزیسیون در طبیعت و هنر

کمپوزیسیون، با این مفهوم وسیع در تمامی پدیده ها و رویدادهای واقعیت زندگی نهفته است. در این مورد، می توان نه تنها کمپوزیسیون هنری، بلکه طبیعی را نیز یادآور شد.

یکی از نمونه های عینی کمپوزیسیون طبیعی، درخت است که از برگهای متعددی تشکیل شده است؛ و **مجموع برگها و شاخه ها و همچنین تنه کل ساختمان درخت** را به وجود آورده اند.

2- هارمونی یا تعادل : HARMONY

به وجود آمدن تعادل در یک اثر تجسمی بستگی به چگونگی ایجاد هماهنگی میان عناصر و اجزای آن دارد چشمان مخاطب به طور طبیعی در جست و جوی تعادل بصری است.

وجود تعادل در یک اثر تجسمی مبین تأثیر گذاری متناسب و هماهنگ همه عناصر در آن ترکیب می باشد. چنانچه انرژی بصری همه عناصر به گونه ای سازمان داده شود که هیچ بخشی از اثر انرژی بصری دیگر بخش ها را از میان نبرد و باعث اغتشاش بصری نشود، ترکیبی موزون و متعادل به وجود می آید.

در سامان بخشیدن به یک اثر **متعادل تیرگی، روشنی رنگ اندازه و محل قرار گرفتن عناصر بصری** در فضای کار دخالت دارند.

ریتم (ضرب - آهنگ)

ریتم با ضرب - آهنگ واژه ای است که معمولاً در موسیقی به کار می رود اما در هنرهای تجسمی نیز مرسوم است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

در هنر تجسمی ریتم معنایی تصویری دارد و عبارت است از تکرار، تغییر و حرکت عناصر بصری در فضای تجسمی ، به عبارت دیگر تکرار منظم و متوالی یک عنصر تصویری ضرب – آهنگ بصری را به وجود می آورد.

1- تکرار یکنواخت :

در این نوع ضرب – آهنگ یک تصویر به طور یکنواخت و به صورت متوالی تکرار می شود. نمای خطی آن در شکل آورده شده است

2- تکرار متفاوت :

در این ضرب – آهنگ یک عنصر بصری تکرار می شود اما تکرار آن با تغییرات متناوبی متنوع خواهد شد و هر بار عکس العمل مخاطب و توجه او را با یک حرکت یا یک تصویر میانی تحت تأثیر قرار می دهد. نمای خطی آن در شکل نمایش داده شده است.

3- تکرار تکاملی :

در این نوع ضرب – آهنگ یک تصویر و یا یک عنصر بصری از یک مرتبه و حالت خاص شروع می شود و به تدریج با تغییراتی به وضعیت و یا حالتی تازه تر می رسد، به طوری که نوعی رشد و تکامل را در طول مسیر تغییرات خود به دنبال خواهد داشت. نمای خطی آن در شکل نشان داده می شود.

4 - تکرار موجی :

این نوع ضرب آهنگ که عمدتاً با استفاده از حرکت منحنی سطوح و خطوط به وجود می آید و از نوعی تناوب هم برخوردار است نمونه ی کاملی از ضرب – آهنگ تجسمی است که در فضای معماری، حجمی و تصویری وجود دارد و به شکل مأنوسی با زندگی انسان پیوند خورده است. نمای خطی آن در شکل نشان داده می شود.

4- تضاد و کنتراست: CONTRAST

به معنای تضاد، تباین و کشمکش متقابل میان عناصر و کیفیت بصری است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

کنتراست ارتباط منطقی و در عین حال متضادی را میان اجزا و عناصر مختلف یک ترکیب و یا یک اثر هنری بیان می کند.

بهره گرفتن از کنتراست در آثار هنری باعث

جلوه بیشتر معنی، گویاتر شدن حالت، قوی تر نشان دادن احساس

و در نتیجه انتقال مفاهیم و پیام ها به شکلی مؤثرتر و عمیق تر است.

در حالی که عدم بهره گیری از کنتراست در کیفیات و عناصر تأثیر گذار معمولاً باعث

یکنواختی، ملال و ناپایداری در تأثیرگذاری و عدم جذابیت اثر می شود.

کنتراست چیزی بیش تر از تضاد بین سیاه و سفید یا کوچک و بزرگ است.

در حقیقت، کنتراست یکی از اصول مهم طراحی است که باید بخشی از هر پروژه باشد.

کنتراست به سازمان دهی طراحی کمک می کند و باعث ایجاد سلسله مراتبی می شود و به سادگی نشان می دهد که کدام بخش از طراحی مهم تر است و بیننده را به تمرکز بر روی آن بخش های مهم رهنمون می کند؛ اما استفاده خوب از کنتراست علاوه بر تأکید بر روی نقاط حساس طراحی، باعث جذابیت بیشتر طرح نیز می شود.

طرحی که در آن همه چیز دارای اندازه، رنگ و شکل مشابه باشد، بسیار خسته کننده است اما کنتراست به آن جذابیت می بخشد.

ایجاد کنتراست با اشکال: شکل های آزاد و هندسی

انواع کنتراست:

- 1- تضاد در رنگ
- 2- تضاد در اندازه
- 3- تضاد در بافت

1- تضاد در رنگ

استفاده از رنگ های روشن یا تیره (خواه به صورت تنها یا ترکیبی) می تواند یک روش راهبردی برای ایجاد محل های با کنتراست بالا یا پایین در طرح باشد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

رنگ‌های روشن به ویژه در برابر رنگ سیاه، همیشه توجه افراد را جلب می‌کنند؛ برای برجسته کردن نقاط مهم طراحی، از این رنگ‌ها به دقت استفاده کنید.

در طراحی وبسایت زیر، رنگ قرمز و نارنجی کاملاً اشباع شده در برابر رنگ سبز با اشباع پایین برای تصویر جنگل قرار گرفته است..

این طرح، نه تنها یک طرح رنگ مکمل است (و به این دلیل، طرح چشم‌گیری است) بلکه از سطح مناسبی از اشباع برای چشم‌گیرتر شدن آن استفاده شده است

2- تضاد در اندازه

کنتراست علاوه بر افزودن جذابیت بصری به طرح، ایجاد روابط بین عناصر را نیز بهبود می‌بخشد و عناصر طراحی مختلف را اولویت‌بندی می‌کند.

اگر تمام اقلام طراحی دارای یک اندازه باشند، سلسله مراتب زیادی وجود نخواهد داشت.

هنگامی که کسی طرحی را می‌بیند، کدام عنصر ابتدا به نظر وی مهم‌تر جلوه می‌کند؟

استفاده درست از «مقیاس» نه تنها از نقطه نظر عملی درست است بلکه یکی از ساده‌ترین روش‌ها برای ایجاد یک طرح جالب و پویا و افزایش جذابیت آن نیز می‌باشد.

جلد مجله زیر دارای یک تصویر بزرگ برای تأکید بر طرح اصلی است اما دیگر عناصر طراحی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد .

در واقع، اندازه، شکل و رنگ نوشته، نقطه کانونی عکاسی را تقویت می‌کنند

3- تضاد در بافت

«بافت‌ها» نیز همانند شکل‌ها زمانی که مشخصات آن‌ها بسیار متفاوت باشند، می‌توانند برای ایجاد کنتراست استفاده شوند، مثلاً بافت سخت در مقابل بافت نرم.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

بجز زمانی که از یک افکت چاپی خاص یا دیگر تکنیک‌های فیزیکی استفاده می‌کنید، هر بافتی که بکار می‌برید کاملاً بصری خواهد بود.

بافت‌های فراوانی را می‌توانید در برنامه‌های طراحی مختلف و هم‌چنین بین منابع رایگان آنلاین پیدا کنید.

در شکل زیر، بافت‌های با لوگوی خطی ارائه شده است. استفاده از بافت‌ها، روش‌های خوبی برای ساخت

بافت:

- به طور کلی سطح و رویه هر شی و هر شکلی دارای ظاهر خاصی است که به آن بافت گفته می‌شود.
- درک کردن بافت هم از طریق لمس کردن و هم توسط احساس بصری میسر است.
- و ما می‌توانیم بافت یک پدیده را با دیدن تنها
- یا لمس کردن تنها
- یا تلفیق این دو بازشناسیم و ارزش آن را دریابیم.
- ممکن است بافت فقط کیفیت بصری داشته باشد و فاقد کیفی ملموس باشد مانند بافت بصری حاصل از چیده شدن حروف و کلمات کنار یکدیگر یا بافت شرنجی قابل مشاهده روی کاغذ شترنجی یا یک نقاشی.

انواع بافت:

الف) بافت‌های تصویری

این بافت‌ها معمولاً به صورت شبیه‌سازی از اشکال و اشیای طبیعت به صورت واقع‌نما ساخته و پرداخته می‌شوند و با رؤیت آنها احساسی را که از طریق لمس چیزها تجربه کرده ایم مجدداً در ما بیداری می‌کند. مثل بافت اشیاء در تصاویری که در عکاسی از اشیاء ضبط می‌شود. مانند عکس یک گل یا تصویر ابرها یا تصویر میوه‌ها

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

ب) بافت های ترسیمی :

این بافت ها به روش های گوناگون تجربی و برای ایجاد تأثیرات بصری خالص به وجود می آیند

بافت های ترسیمی با استفاده از

تراکم و تکرار خطوط در ترکیب های متنوع

و یا با استفاده از لکه های تیره - روشن و رنگی به وجود می آیند.

روش های ایجاد بافت:

با استفاده از روش های گوناگون می توان بافت های بصری مختلفی ایجاد کرد. برخی از این روش ها عبارتند از :

1- ترسیم و تکرار انواع شکل ، خطوط، نقاط و یا نقش مایه های خاص

2- با استفاده از پاشیدن و مالیدن مواد رنگین و مرکب روی سطوح گوناگون و یا به کمک انواع قلم ها و کاردک ها و یا ابزارهای دیگر

3- با استفاده از بافت سطوح طبیعی مواد مختلف که به روی آنها مرکب و رنگ مالیده می شود و سپس برگرداندن آنها به روش چاپ و مهر زدن به روی انواع کاغذ و مقوا

4- خراشیدن و تراشیدن و کنده گری سطوحی که مواد رنگین یا مرکب بر روی آنها مالیده شده است.

چوب، فلزف شیشه، پارچه ، سنگ و سایر مواد طبیعی و مصنوعی نیز بافت های طبیعی آماده ای را ایجاد می کنند و گاه به طور مستقیم در یک اثر به کار برده می شوند.

دلایل روی آوری انسان به هنر

1- **فطرت انسان:** فطرت انسان زیباست و زیبایی را دوست دارد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

- 2- **رسایی :** یعنی هنر چیز سخت و پیچیده ای نیست و به راحتی می توان آن را درک کرد.
- 3- **جهانی بودن:** با وجود تفاوت فرهنگ ها و زبان های متعدد در جهان ، این هنر است که در همه ی جهان ملموس و قابل فهم است و در حقیقت هنر زبان مشترک تمام انسانهاست
- 4- **ماندگاری:** به دلایلی که در موارد فوق اشاره شد می توان گفت هنر ماندگار است
- 5- **سرعت انتقال پیام در هنر :** دلایلی که در بالا بدانها اشاره شد با هم همپوشانی دارند و هر کدام جداگانه نمی توانند دلیل این امر باشند

به طور سنتی مجموعه هنرهای زیبا به ۷ دسته تقسیم می شوند

1*موسیقی

2*هنرهای دستی: مجسمه سازی، شیشه گری، و ...

3*هنرهای ترسیمی: نقاشی، خطاطی، عکاسی و ...

4*ادبیات: شعر، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر

5*معماری

6*رقص و حرکات نمایشی

7*هنرهای نمایشی: سینما، تئاتر و ...

1)موسیقی یا موزیک

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

که در فارسی به آن خُنیا هم گفته می‌شد، یکی از فعالیت‌های بشری است که بُن‌مایهٔ تشکیل‌دهندهٔ آن، صدا و سکوت است. عناصر اصلی تشکیل‌دهندهٔ موسیقی شامل زیروبمی (نَواک) (تعیین‌کنندهٔ ملودی و هارمونی) و ریتم است

نَواک، زیرایی (زیروبمی) یا ارتفاع صوت کیفیتی است ادراکی در مورد صداها که اجازهٔ درجه‌بندی و ترتیب‌دهی آن‌ها، بر مبنای زیر وبمی را به ذهن می‌دهد.

نَواک به عنوان پدیده‌ای ذهنی معادل با تغییراتی است که در دنیای فیزیکی برای بسامد (فرکانس) صداها رُخ می‌دهد. در زبان عموم از آن به زیر و بمی یاد شده و در نوشته‌های قدیمی‌تر به آن (ارتفاع) گفته می‌شده است

2) صنایع دستی یا کاردستی

صنایع دستی یا کاردستی نوعی کار است که در آن لوازم تزئینی و کاربردی تنها با استفاده از دست یا ابزار ساده ساخته می‌شود.

معمولاً این کلمه به روش‌های سنتی ساختن کالاها اطلاق می‌گردد.

چنین چیزهایی اغلب از لحاظ فرهنگی یا مذهبی فوق‌العاده هستند.

لوازمی که به صورت تولید انبوه یا با ماشین آلات مختلف ساخته می‌شوند، جزء صنایع دستی نیستند.

آنچه مقولهٔ صنایع دستی را از هنر کاردستی متمایز می‌سازد،

هدف از ساختن آنهاست.

صنایع دستی لوازمی هستند که قرار است مورد استفاده قرار گرفته و کهنه، پوسیده و غیره شوند.

موارد استفاده از آن‌ها بیش از یک تزئین ساده‌است.

صنایع دستی اغلب کارهای فرهنگی و مرسوم‌ی تلقی می‌شوند زیرا به عنوان بخشی از ملزومات زندگی روزمره مطرح هستند.

درحالی که هنر و کاردستی بیشتر یک فعالیت سرگرمی گونه و یک ارائه بی‌نقص از یک تکنیک خلاقیت است.

مجسمه‌سازی، تندیسگری یا پیکرتراشی

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

مجسمه‌سازی، تندیسگری یا پیکرتراشی هنر همگذاری یا ریخت دادن به اشیا است و ممکن است در هر اندازه یا با هر سازمانی (مصالحی) یا تکنیکی انجام گیرد.

به فرآورده‌های این هنر تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می‌شود.

هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می‌توان تندیس نامید.

هر شکل‌دانی مجسمه‌سازی نیست

بلکه باید در ورای آن، یک فکر، خلاقیت یا یک نوآوری وجود داشته باشد.

مجسمه‌سازی و مذهب

یونانیان، خدایان متعدد خود را به صورت تندیس در معابد خود قرار می‌دادند و آن‌ها را پرستش می‌نمودند. تندیس‌های سنگی و برنزی بیشماری نیز از قهرمانان خود در میدان‌ها و معابر عمومی می‌گذاشتند.

مصریان عقیده داشتند که روح هر انسانی پس از مرگ به این جهان برمی‌گردد و برای اینکه آن روح سرگردان نشود تندیس‌هایی از سنگ یا برنز یا چوب یا گچ می‌ساختند و در مکان‌های امنی قرار می‌دادند و چون آن تندیس‌ها کاملاً شبیه اشخاصی که مرده بودند ساخته می‌شد به عقیده آنان روح به آسانی می‌توانست در آن‌ها جای گیرد.

افزون بر آن مصریان نیز خدایان خود را به صورت موجوداتی در سنگ یا برنز مجسم می‌کردند و در معابدشان قرار می‌دادند. ایرانیان پیش از اسلام، دارای مذهبی بودند که به توحید خیلی نزدیک بود. هرودت که ایرانیان دوره هخامنشی را به هم میهنان خود در کتابی با عنوان «تاریخ» معرفی نموده تعجب می‌کند از اینکه ایرانیان برای خدایان خود معبد و تندیس نمی‌سازند و می‌گویند آن‌ها برای انجام آیین‌های مذهبی خودشان روی بلندی‌ها می‌روند و خداوند خود را به این طریق پرستش می‌کنند

شیشه‌گری

شیشه‌گری هنر شکل‌دادن به شیشه است.

هنرمند در این هنر، ابتدا ماده شیشه را حرارت می‌دهد تا نرم و نیمه مایع شود. سپس به وسیله دست‌ها یا ابزار مخصوص یا دمیدن اشکال زیبایی را با آن پدید می‌آورد.

وقتی شیشه‌ها را از کوره خارج می‌کنند، بسیار گرم و داغ است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

شیشه‌گر یک تکه از شیشه را برداشته و آن را روی لوله‌ای توخالی می‌گذارد و در آن می‌دمد تا باد شود. شیشه‌گر از شیشه‌هایی که باد می‌کند، می‌تواند بسیاری از چیزها را بسازد.

مانند لیوان، بطری و در، پنجره و عینک و یا انواع عدسی‌های چشمی که در وسایل گوناگون مانند **ذره‌بین** به کار می‌روند

3) نقاشی، نگارگری یا رسم

نقاشی، نگارگری یا رسم، فرایندی است که طی آن **رنگ** بر روی یک سطح مانند **کاغذ** یا **بوم** ایجاد نقش می‌کند و اثری خلق می‌شود.

فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد نقاش نام دارد، به‌خصوص زمانی که نقاشی حرفه‌^۱ شخص باشد.

نقاشی یکی از رشته‌های اصلی **هنرهای تجسمی** است و قدمت آن **شش برابر زبان نوشتاری** می‌باشد

برخی از پژوهشگران معتقدند اولین نقاشی‌های یافت‌شده در غارها حاکی از آن است که انسان‌های اولیه با کشیدن نقش حیوانات و شکارشان به نوعی خود را آماده^۲ نبرد با آنها می‌کرده‌اند.

قدیمی‌ترین نقاشی‌ها در دنیا که متعلق به حدود ۳۲۰۰۰ هزار سال پیش می‌باشد، در **گروته شاوله فرانسه** قرار دارد.

این نقاشی‌ها که با استفاده از رنگ قرمز و رنگ‌دانه سیاه، حکاکی و رنگ شده‌اند، تصاویری از اسب‌ها، کرگدن‌ها، شیرها، بوفالوها و ماموت‌ها را نشان می‌دهند. این‌ها نمونه‌هایی از نقاشی در غار هستند که در اغلب نقاط دنیا وجود دارند.

خوشنویسی یا خطاطی

خوشنویسی یا **خطاطی** به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش‌نویس نام دارد، به‌خصوص زمانی که خوش‌نویسی حرفه‌^۱ شخص باشد.

گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.

از این رو خوشنویسی با نگارش ساده^۲ مطالب و حتی **طراحی حروف** و **صفحه‌آرایی** متفاوت است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران اهمیت بسیاری در میان هنرهای بصری دارد.

عکاسی

عکاسی در لغت به معنای روش عکاسی و عکسبرداری است و همچنین به عمل و شغل عکاس نیز گفته می‌شود.

این هنر در اکثر زبان‌های جهان فتوگرافی خوانده می‌شود که ترکیبی از دو کلمه یونانی

فتو به معنی نور

و گرافی به معنی ثبت یا نگارش است

که در دو مرحله انجام می‌شود:

نخست، به‌دست‌آوردن تصویر به وسیله دوربین و ثبت آن روی نگاتیو (فیلم) یا گیرنده تصویر الکترونیکی و دوم، ظاهر کردن تصویر مخفی حاصل از دوربین عکاسی و پدیدار کردن آن.

عکاسی دارای سه جنبه علمی، صنعتی و هنری است؛ به‌عنوان یک پدیده علمی متولد شد، به‌شکل یک صنعت گسترش یافت و به‌عنوان هنر تثبیت شد.

عکاسی توسط یک فرد کشف و تکمیل نشده‌است، بلکه نتیجه تلاش بسیاری از افراد در زمینه‌های مختلف و اکتشافات و نوآوری‌های آنان در طول تاریخ است و سال‌ها قبل از اختراع عکاسی، اساس کار دوربین عکاسی وجود داشته‌است اما اولین تصویر لیتوگرافی نوری در سال ۱۸۲۲ میلادی توسط مخترع فرانسوی، ژوزف نیسه‌فور نیپس تولید شد و پس از آن توانست عکسی دائمی از طبیعت به نام اصطبل و کبوترخانه را خلق کند. او با همکاری لوئی داگر، آزمایش‌هایی را بر ترکیبات نقره براساس یافته‌های یوهان هاینریش شولتز انجام دادند و داگر در سال ۱۸۳۷ توانست روش داگرنوتایپ را اختراع کند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

4) ادب یا ادبیات

ادب یا ادبیات عبارت است از آن گونه سخنی که از حدّ سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده‌اند و از خواندن و شنیدن آن‌ها دگرگون گشته و احساس غم، شادی یا لذت کرده‌اند.

در باور همگانی ادبیات یک تیره یا ملت برای نمونه مجموعه متن‌هایی است که آثار ماندگار و برجسته پیشینیان آن تیره و ملت را تشکیل می‌دهند.

یکی از طبقه‌بندی‌های مشهور و پرکاربرد متن‌های ادبی، طبقه‌بندی دوگانه‌ایست که بر اساس آن متن‌ها به دو گونه اصلی شعر و نثر تقسیم می‌شوند. این طبقه‌بندی سنت دیرینه‌ای در سخن‌شناسی، زبان فارسی و ادبیات جهان دارد.

شعر، سروده، چامه یا چکامه

شعر، سروده، چامه یا چکامه یکی از کهن‌ترین گونه‌های ادبی و شاخه‌ای از هنر است.

دهخدا در یادداشت‌های خود درباره شعر چنین می‌نویسد: «چکامه، چغامه، چامه، نَشید، نظام، سخن منظوم، منظومه، قریض. ظاهراً ایرانیان را قسمی سرود یا شعر بوده و خود آنان یا عرب آن را «هَنَیْمَه» می‌نامیده‌اند. قدیم‌ترین شعر ایران که به دست است گاتاهای زرتشت می‌باشد که نوعی شعر هجایی محسوب می‌شود».

در تعریف‌های سنتی درباره شعر کهن فارسی، ویژگی اصلی شعر را موزون و آهنگین بودن آن دانسته‌اند. در تعریف‌هایی دیگر، با دانش، فهم، درک، ادراک و وقوف یکی انگاشته شده است

دهخدا در فرهنگ لغت خود به تعاریف علمای عرب نیز اشاره کرده و می‌نویسد: «نزد علمای عرب کلامی را شعر گویند که گوینده آن پیش از ادای سخن قصد کرده باشد که کلام خویش را موزون ادا کند و چنین گوینده‌ای را شاعر نامند ولی کسی که قصد کند سخنی ادا کند و بدون اراده سخن او موزون ادا شود او را شاعر نتوان گفت»

نثر

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

در اصطلاح ادبیات، نثر به سخنی اطلاق می‌شود که به رعایت وزن و قافیه پای‌بند نیست.

در مقابل نظم، حالت نثر به سبک گفتاری روزمره نزدیکتر می‌باشد.

کاربرد نثر بیشتر در توضیح واقعیات و بحث در مورد اندیشه‌ها و نظرات است.

در رسانه‌ها، فیلم‌ها، فلسفه، نمایشنامه، تاریخ، زندگینامه، نامه‌نگاری، مقاله‌نویسی نشریات و دانشنامه‌ها بیشتر از نثر بهره می‌گیرند.

داستان یا قصه

داستان یا قصه به نثری گفته می‌شود که روایتی تخیلی در آن نقل می‌شود.

داستان شامل انواع رمان، داستان کوتاه و داستانک می‌باشد.

داستان از انواع ادبی است، شامل آثاری که از تخیل نویسنده خلق شده است و حوادث و شخصیت‌های آن واقعیت ندارند.

رمان

متنی روایتگر و داستانی است که در قالب نثر نوشته می‌شود.

در سده هجدهم (میلادی) کلمه «رمان» بیشتر برای اشاره به قصه‌های کوتاه در مورد عشق و توطئه به کار می‌رفت.

در ۲۰۰ سال اخیر رمان تبدیل به یکی از مهم‌ترین اشکال ادبی شده‌است.

کلمه «رمان» از زبان فرانسوی وارد زبان فارسی شده‌است. رمان در فارسی قالب ادبی مدرنی به‌شمار می‌رود.

داستان کوتاه

داستان کوتاه گونه‌ای از ادبیات داستانی است که نسبت به رمان یا داستان بلند حجم بسیار کم‌تری دارد و نویسنده در آن برشی از زندگی یا حوادث را می‌نویسد درحالی که در داستان بلند یا رمان، نویسنده به جنبه‌های مختلف زندگی یک یا چند شخصیت می‌پردازد و دستش برای استفاده از کلمات باز است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

به همین دلیل ایجاز در داستان کوتاه مهم است

و نویسنده نباید به موارد حاشیه‌ای بپردازد

داستانک

قالبی در داستان‌نویسی است که در چند خط یا حداکثر یک صفحه نوشته می‌شود و در پی یک کشف ضربه‌زننده است.

این کشف می‌تواند غافلگیر کردن خواننده و ایجاد شوک، شوخی یا نمایش لحظه‌ای زیبا باشد

همچنین داستانک یا فلش فیکشن می‌تواند پایانی نداشته باشد و انتهای داستانک را به خواننده واگذار کند.

برعکس رمان یا داستان، که در انتهای آن رویداد مهم پایان می‌پذیرد.

در فارسی می‌توان آن را «داستان ناگهان»، «داستان لحظه»، و «داستان آنی» ترجمه کرد

برای تبدیل داستان کوتاه به داستانک لازم است که نویسنده بخش اصلی داستان کوتاه را در نظر بگیرد و آن را خلاصه کند

. داستانک از طرح اولیه‌ای که برای نوشتن یک رمان یا داستان کوتاه در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد هم کوتاه‌تر و خلاصه‌تر است.

ایجاز مهم‌ترین صنعت ادبی در نوشتن داستانک است و نویسنده‌ای که می‌خواهد داستانک بنویسد حتماً باید از نحوه ایجاز اطلاع داشته باشد تا با چیدن درست و مناسب کلمات داستانک را شکل دهد.

دزد باورها

گویند روزی دزدی در راهی بسته ای یافت که در آن چیز گرانبهایی بود و دعایی نیز پیوست آن بود. آن شخص بسته را به صاحبش بازگرداند.

او را گفتند : چرا این همه مال را از دست دادی؟

گفت: صاحب مال عقیده داشت که این دعا، مال او را حفظ می‌کند و من دزد مال او هستم، نه دزد دین!

اگر آن را پس نمی‌دادم و عقیده صاحب آن مال خلی می‌یافت، آن وقت من، دزد باورهای او نیز بودم و این کار دور از انصاف است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

درویش تهی دست

درویشی تهی دست از کنار باغ کریم خان زند عبور می‌کرد . چشمش به شاه افتاد و با دست اشاره‌ای به او کرد . کریم خان دستور داد درویش را به داخل باغ آورند .

کریم خان گفت : این اشاره‌های تو برای چه بود ؟

درویش گفت : نام من کریم است و نام تو هم کریم و خدا هم کریم .

آن کریم به تو چقدر داده است و به من چی داده ؟ کریم خان در حال کشیدن قلیان بود ؛ گفت چه می‌خواهی ؟

درویش گفت : همین قلیان ، مرا بس است ! چند روز بعد درویش قلیان را به بازار برد و قلیان بفروخت . خریدار قلیان کسی نبود جز کسی که می‌خواست نزد کریم خان رفته و تحفه برای خان ببرد ! پس جیب درویش پر از سکه کرد و قلیان نزد کریم خان برد ! روزگاری سپری شد . درویش جهت تشکر نزد خان رفت .

ناگه چشمش به قلیان افتاد و با دست اشاره‌ای به کریم خان زند کرد و گفت : نه من کریمم نه تو ؛ کریم فقط خداست ، که جیب مرا پر از پول کرد و قلیان تو هم سر جایش هست

نمایشنامه

، پی‌یس

pièce de théâtre

یا تئاترنوشت به متن قابل اجرا در تئاتر (نمایش) گفته می‌شود.

نمایشنامه معمولاً در قالب گفتگو بین شخصیت‌ها نوشته می‌شود.

به نویسندۀ این متن نمایشنامه نویس می‌گویند.

مکان و زمان رخ دادن حوادث و نیز توضیح دربارهٔ صحنه قبل از نوشتن متن نمایش اهمیت دارند.

در نمایشنامه حالات چهره ی بازیگر نیز ذکر می‌شود.

هر پرده از نمایش شامل بخش‌های مختلفی است که ساختار نمایشنامه را تشکیل می‌دهند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

فیلمنامه

یاسناریو

Scénario

داستانی است که همراه با توضیح صحنه‌ها برای ساخت فیلم نوشته می‌شود.

به نویسندۀ فیلمنامه، فیلمنامه‌نویس می‌گویند.

عناصر فیلمنامه از داستان و شخصیت‌ها، صحنه‌ها، سکانس‌ها، پرده‌ها، موسیقی، مکان‌ها و ... تشکیل شده‌اند.

یک فیلمنامه یا اسکریپت، یک اثر نوشته شده توسط فیلمنامه‌نویس برای یک فیلم، برنامه تلویزیونی یا بازی ویدیویی است.

این سریال‌ها می‌توانند کارهای اصلی یا سازگاری از قطعات موجود در نوشتن باشند. در آنها، جنبش، اعمال، بیان و گفت و گوهای شخصیت‌ها نیز نقل شده است.

فیلمنامه‌ای که برای تلویزیون نوشته شده است نیز به عنوان یک نمایش تلویزیونی شناخته شده است.

5) معماری

سبک طراحی و شیوه ساخت و ساز ساختمان‌ها و دیگر سازه‌های فیزیکی که به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اقوام، نگرش‌ها و جغرافیا است.

معماری، هنر و فن طراحی و ساختن بناها، فضاهای شهری و دیگر فضاهای درونی و بیرونی برای پاسخ هماهنگ به نیازهای کارکردی و زیباشناسانه است.

خلق فضاهای با خلوص بصری در معماری از عمده فعالیت‌های معماران است.

باید معماری را از مهندسی سازه و ساخت و ساز متمایز ساخت. گرچه عمده بناها (نظیر خانه‌ها و مکان‌های عمومی) کاملاً در حیطه دانش معماری است، برخی سازه‌ها و بناهای دیگر (مثل پل‌ها، کارخانه‌ها و...) وجود دارند که در مرزی بین معماری و مهندسی یا معماری و هنر قرار می‌گیرند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

6. رقص

رقص کنشی است انسانی بر مبنای حس و حرکت جهت ابراز حسی پرشور و فزاینده برای دنیای پیرامون که بیان‌کننده یک حالت، تجربه یا درک باشد رقص می‌تواند در یک محیط اجرایی، روحانی یا اجتماعی اجرا شود.

رقص یکی از رشته‌های هنرهای نمایشی و از هنرهای هفتگانه به‌شمار می‌آید که متشکل از مجموعه حرکات هدفمند انسانیست.

این حرکات ارزش و معنای سمبولیک و زیبایی‌شناسانه‌ای دارند که به وسیله کنشگران و تماشاگران به عنوان پدیده‌ای به نام رقص در یک فرهنگ خاص شناخته شده‌است.

رقص را می‌توان بر مبنای سبک رقص‌پردازی، زبان حرکتی رقصنده، یا پیشینه تاریخی و مکانی‌اش به انواع مختلف دسته‌بندی کرد و شرح داد.

واژه رقص همچنین برای نشان دادن جنبش‌های موزون و ترازمند جانداران و اشیاء دیگر به کار می‌رود مانند رقص برگ‌ها، رقص باد.

7. هنرهای نمایشی

هنرهای نمایشی شکلی از هنر است که برخلاف هنرهای پلاستیکی،

هنرمند در آن

با استفاده از بدن و فیزیک خود در وهله نخست

و سپس بهره‌گیری از امکانات دیگر به خلق هنر خود می‌پردازد.

اصطلاح «هنرهای نمایشی» برای اولین بار در سال ۱۷۱۱ در زبان انگلیسی برای مجموعه‌ای از هنرهای دیداری متکی به بازیگر مورد استفاده قرار گرفت

تقسیم بندی هنرهای نمایشی

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

هنرهای نمایشی شامل:

انواع رقص، موسیقی زنده، اپرا، تئاتر (زنده و عروسکی)، سینما، شعبده‌بازی و تردستی، داستان‌گویی، نمایش‌های سیرک (بندبازی)، معرکه‌گیری، کار با حیوانات و نمایش‌های پهلوانی) و سایر هنرهای مشابه است. هنرمندان این نمایش‌ها با عنوان‌هایی چون: هنرپیشه، کمدین، رقصنده، شعبده‌بازان، نوازندگان و خوانندگان نام برده می‌شوند

سینما

سینما یک رسانه دیداری شنیداری مبتنی بر فناوری است که به وسیله آن فعالیت اقتصادی صورت می‌گیرد و همچنین قابلیت استفاده هنری را داراست.

یک اثر سینمایی که فیلم سینمایی نامیده می‌شود، از عناصر تصویر (به صورت مجموعه‌ای از فریم‌ها) و صدا (گفتگو، صدا و موسیقی) تشکیل شده است.

یک فیلم بر اساس فیلمنامه و توسط کارگردان، با هزینه تهیه‌کننده و مجموعه‌ای از بازیگرها، فیلم‌بردار و عوامل دیگر ساخته می‌شود.

سینما جدیدترین شاخه هنر، معروف به هنر هفتم است که امروزه یکی از عمومی‌ترین و محبوب‌ترین تولیدات هنری را ارائه می‌کند. سینما همچنین به محل پخش عمومی فیلم سینمایی نیز گفته می‌شود.

در ایران هر ساله روز ۲۱ شهریور به عنوان روز سینما گرامی داشته می‌شود.

تئاتر

تئاتر شاخه‌ای از هنرهای نمایشی است که به بازنمودن داستان‌ها برابر تماشاگران می‌پردازد.

به جز سبک معیار گفتار دراماتیک، تئاتر گونه‌های دیگری نیز دارد مانند

اپرا

باله

کابوکی

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

تعزیه

خیمه شب بازی

و پانتومیم.

اپرا

اپرا آمیزه‌ای از موسیقی و نمایش است تا حقیقت به تصویر کشیده شود.

از این رو برای خلق آثار اپرایی باید در دو بخش موسیقی و نمایش عالم بود تا پدیده‌ای درخور تحسین ایجاد کرد.

با این حال موسیقی دارای اعجازی است که با آن، داستانی هرچند ساده به تجربه‌ی احساسی عمیق و دل‌انگیز بدل می‌شود. همچنین داستان‌ها و نمایشنامه‌های موفق نیز با درآمیختن با موسیقی، بقا و عمق بیشتری می‌یابند

اپرا مجموعه‌ای است از هنرهای مختلف: موسیقی، ادبیات، فن بازیگری، طراحی صحنه، دکور و کارگردانی.
صحنه آرایی

باله

Ballet

نوعی رقص صحنه‌ای است. حرکات باله نیاز به حد بالایی از ورزیدگی بدن رقصنده دارد.

با وجود اصالت این هنر در فرهنگ ملل مختلف، ریشه باله را شاید بتوان در ایتالیای دوره رنسانس یافت.

اما در فرانسه و روسیه بود که باله فرم و شکل امروزی را به خود گرفت.

واژگان و نام حرکات‌ها در رقص باله به زبان فرانسه است

کابوکی

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

نام گونه‌ای از تئاتر سنتی ژاپنی است که شهرتش به دلیل سبک درام آن و نوع لباس زینتی بازیگرانش می‌باشد.

این واژه از ترکیب سه نویسه کانجی تشکیل شده‌است، که از چپ به راست، به معنی آواز، رقص و مهارت می‌باشند و به‌همین دلیل است که کابوکی گاهی «هنر آواز و رقص» ترجمه می‌شود.

حروف این کلمه، به دلیل آن‌که از زبان چینی وارد شده‌اند، مفهوم واقعی لغت را نشان نمی‌دهند. در کانسجی، مهارت به‌طور کلی به بازیگر تئاتر کابوکی اشاره می‌کند و خود لغت کابوکی از

kabuku

مشتق شده که به معنی تکیه دادن یا غیرمعمول بودن است. پس کابوکی می‌تواند به مفهوم «تئاتر پیشرو» یا «تئاتر عجیب» نیز باشد.

تعزیه

تعزیه به معنای متعارف، نمایشی است که در آن واقعه کربلا به دست افرادی که هر یک نقشی از شخصیت‌های اصلی را بر دوش دارند، نشان داده می‌شود

این نمایش نوعی نمایش مذهبی و سنتی ایرانی-شیعی و بیشتر درباره کشته‌شدن حسین بن علی و مصائب اهل بیت است.

هنر تعزیه از یک‌سو به بالندگی تئاتر در ایران کمک کرده و از سوی دیگر، نشانی هنری از مذهب شیعه است.

از مکانهای مطرح در زمینه اجرای تعزیه در ایران می‌توان استانهای اردبیل (شهر لاهرود) سمنان (شاهرود) - اصفهان - مرکزی - قم - تهران - مازندران - قزوین - البرز - کرمان - یزد - همدان - خوزستان - فارس - زنجان - بوشهر و خراسان رضوی را نام برد

خیمه‌شب‌بازی

برخی خیمه‌شب‌بازی را به کم‌دیا دل‌آرته منسوب می‌دانند و گروهی بر این عقیده‌اند که از کشورهای کهن چین، هند، ژاپن و نواحی جنوب شرقی آسیا به اروپا نفوذ کرده‌است.

خیمه شب بازی یا شب بازی، شب‌ها و در خیمه‌ای که دو طرفش دو چراغ روشن بود، نمایش داده می‌شد.

یک طرف صندوق به طرف تماشاچیان باز بود و سه طرف دیگرش اتاقی را نشان می‌داد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

صندوق در خیمه بود و نمایشگردان پشت صندوق مخفی می‌شد و عروسک‌ها را با نخ یا بال‌های نازک تکان می‌داد.

در نمایش‌های خیمه‌ای که خاص طبقات بالا اجرا می‌شد، نمایش‌ها مجلل و مفصل و خیمه فاخر و رنگارنگ بوده‌است

پانتومیم یا ادابازی

Pantomime

به اجرای نمایش بی‌کلام فقط با استفاده از حرکات بدن گویند.

واژه پانتومیم به ۲ قسمت تقسیم می‌شود.

پانتو

میم

در اصل واژه میم به صورت اشتباه به کار برده می‌شود، که درست و اصل آن مایم است.

ریشه مایم برمی‌گردد به نخستین روزهای حیات بشر و انسان‌ها که کلام نداشتند و برای برقراری این کلام نداشتند و به چیزی جز بدن خود متکی نبودند.

در دوران آنتی میزسیسم یا جاندارگرایی اشیا این پدیده به نام «جادوگر» اتفاق می‌افتد او که اولین بازیگر تاریخ است با زدن ماسک به چهره‌اش صحنه شکار را توصیف می‌کند.

این پدیده دارای محیط اجرایی و داستانی است که این‌ها هیچ‌کدام چیزی کمتر از درام امروزی ندارد.

بعداً ماسک از چهره جدا شد و آغاز تئاتر عروسکی است. مایم به زندگی خودش ادامه می‌دهد تا قرون وسطی که مایم تبدیل به نمایش‌های مستهجن می‌شود البته در یونان.

در روم تبدیل به گلادیاتورها و خشونت می‌شود، همه این‌ها تا قبل از قرن ششم پیش از میلاد است. بعد از این زمان بدون کلام می‌شود.

6) هنر هشتم روابط عمومی

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

امروزه نقش روابط عمومی ها در کمک به تصمیم گیری های مدیریتی و استراتژیک یک سازمان نقشی قابل توجه است، نقش روابط عمومی به عنوان ابزار مدیریتی برای فعالیت های حرفه ای، علمی و الکترونیکی، از مشخصه های جدید روابط عمومی در عصر ارتباطات است.

بنا براین، از نقاط برجسته و ممتاز در مدیریت استراتژیک، تأکید بر محیط برون سازمانی و حتی جهانی است و در واقع، منظور از وظایف استراتژیک روابط عمومی، مشارکت در روند تصمیم گیری سازمان است.

هنر ایرانی

هنر ایران یکی از غنی ترین میراث های هنری در تاریخ جهان است و دربرگیرنده بسیاری از رشته ها از جمله فرش، ادبیات، صنایع دستی، معماری، نقاشی، بافندگی، سفالگری، موسیقی، خوشنویسی، فلزکاری، خاتم کاری، مینا کاری، نگارگری و....

حدوداً ۳۰۰۰ نوع هنر مختلف

در ۴۰۰ گروه هنری مختلف می باشد.

بافندگی یا بافتنی گونه ای از صنایع دستی است که با بافتن نخ و تبدیل آن به پارچه انجام می شود.

در این گونه نخ ها به صورت حلقه هایی در هم تنیده می شوند.

بافندگی هم از طریق دست و هم ماشینی انجام می شود و سبک ها و مدل های گوناگونی دارد.

این تفاوت در گونه نخ ها و همچنین ضخامت میل بافندگی است

بافندگی

بافندگی یا بافتنی گونه ای از صنایع دستی است که با بافتن نخ و تبدیل آن به پارچه انجام می شود.

در این گونه نخ ها به صورت حلقه هایی در هم تنیده می شوند.

بافندگی هم از طریق دست و هم ماشینی انجام می شود و سبک ها و مدل های گوناگونی دارد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

این تفاوت در گونه نخ‌ها و همچنین ضخامت میل بافندگی است

سفالگری

سفالگری ساختن ظروف با گل است و به ظرف ساخته شده از این طریق سفال می‌گویند.

از مشهورترین سفالینه‌ها می‌توان به کوزه و پیاله سفالین اشاره کرد

. پیش از رواج شیشه سفالینه‌ها رایج‌ترین مظروفات بشر بودند.

مرغوب‌ترین خاک در صنعت سفالگری خاک رس می‌باشد که به دلیل وجود مقادیر بالای آهن در آن، به رنگ سرخ است.

سفالگری از نخستین صنایع بشر می‌باشد. خاستگاه آن را گرچه به درستی آشکار نیست ولی از روی یافته‌های کهن سرزمین باستانی سومر می‌دانند

ظرف‌های سفالی، شاید یکی از قدیمی‌ترین ساخته‌های آدمی است.

انسان‌های اولیه از آن زمان که به فکر ذخیره آب و غذا افتادند و به خاصیت چسبندگی و شکل‌گیری گل رس پی بردند ظرف‌های سفالی را به شکل‌های گوناگون ساختند.

با گذشت زمان و گسترش زندگی، سفالگری هم تکامل یافت. انسان‌های آفریننده با دست‌هایشان بر ظرف‌های گلی نقش و نگارهایی کشیدند و آن‌ها را با رنگ‌های گوناگون آراستند.

هم‌اینک در نقاطی از ایران از جمله در: مند گناباد، لالچین همدان، میبد یزد، شهرضای اصفهان، زنوز آذربایجان، کوزه کنان آذربایجان، کلیورگان سیستان و بلوچستان، جویبار مازندران و سیاهکل گیلان ظروف سفالین تهیه می‌شود

سفالگری

سفالگری ساختن ظروف با گل است و به ظرف ساخته شده از این طریق سفال می‌گویند.

از مشهورترین سفالینه‌ها می‌توان به کوزه و پیاله سفالین اشاره کرد

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

. پیش از رواج شیشه سفالینه‌ها رایج‌ترین مظروفات بشر بودند.

مرغوب‌ترین خاک در صنعت سفالگری خاک رس می‌باشد که به دلیل وجود مقادیر بالای آهن در آن، به رنگ سرخ است.

سفالگری از نخستین صنایع بشر می‌باشد. خاستگاه آن را گرچه به درستی آشکار نیست ولی از روی یافته‌های کهن سرزمین باستانی سومر می‌دانند

ظرف‌های سفالی، شاید یکی از قدیمی‌ترین ساخته‌های آدمی است.

انسان‌های اولیه از آن زمان که به فکر ذخیره آب و غذا افتادند و به خاصیت چسبندگی و شکل‌گیری گل رس پی بردند ظرف‌های سفالی را به شکل‌های گوناگون ساختند.

با گذشت زمان و گسترش زندگی، سفالگری هم تکامل یافت. انسان‌های آفریننده با دست‌هایشان بر ظرف‌های گلی نقش و نگارهایی کشیدند و آن‌ها را با رنگ‌های گوناگون آراستند.

هم اینک در نقاطی از ایران از جمله در: مند گناباد، لالچین همدان، میبد یزد، شهرضای اصفهان، زوز آذربایجان، کوزه کنان آذربایجان، کلیورگان سیستان و بلوچستان، جویبار مازندران و سیاهکل گیلان ظروف سفالین تهیه می‌شود

فلزکاری

فلزکاری فرایند کار کردن با فلز برای ساخت محصولات فلزی است.

فلزکاری بخش بزرگ از علوم و تمدن امروزه بشریت است.

این علم مطالعه خاصیت‌های تمامی فلزات را دربر می‌گیرد.

این صنعت به دو بخش تقسیم گردیده‌است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

اول جدا و خالص ساختن از سایر عناصر

و دوم شکل دادن پس از ذوب.

هم‌اکنون بیش از (۷۰) درصد فلزات مورد نیاز از سنگ‌های فلزخیز استخراج شده و پس از پروسه جداسازی در صنایع گوناگون به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکثر فلزات به شکل ترکیب شیمیایی یا مخلوط می‌باشند.

کاشی معرق

معرق کاری عبارت است از قطعه‌های بریده شده کاشی که نقوش مختلف

را از رنگ‌های متفاوت تراشیده و در کنار یکدیگر قرارداده و به شکل

قطعاتی بزرگ در آورده و روی دیوار نصب می‌شود، تا زینت بخش بنا گردد.

این نقوش گاهی از نقش‌های گره‌کشی و گاهی از نقش‌های مختلف

مانند گل و بوته‌سازی اسلیمی‌ها که هر کدام جداگانه می‌توانند بنایی را زینت بخشد.

معرق چوپ

معرق واژه ای عربی و در لغت به معنای وصله و رگه می باشد. معرق هنریست که با کنار هم قرار دادن قطعات ریز تشکیل یک اثر بزرگ‌تر را می دهد.

منبت کاری

منبت یکی از هنرها و صنایع دستی است. در این هنر نقش‌ها به صورت نقش برجسته روی زمینه کار قرار می‌گیرند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

منبت کاری چوب یکی از شاخه‌های منبتکاری است ولی منبت کاری بیشتر به صورت کنده کاری روی چوب اجرا می‌شود. سالهاست که ملایر به عنوان پایتخت جهانی منبت در سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسید و ثبت جهانی آن در استانه اعلام است.

یکه تاز عرصه منبت ایران زمین و جهان می باشد و هیچ شهر و دیاری توان رقابت با ملایر را ندارد.

تفاوت منبت کاری با معرق کاری چیست؟

منبت به مفهوم کنده کاری است که بر روی چوب انجام می گیرد. منبت کاری هنری ست که ریشه در تاریخ ایران دارد.

اولین هنرمندان منبت کار در واقع همان انسان هایی هستند که برای اولین بار از ابزار استفاده کردند. شاید بتوان گفت کشف فلز و ساخت ابزار نقطه عطفی در هنرهای دستی همچون منبت کاری و معرق کاری است.

ابزار های تیز و برنده که با اشکال به خصوصی ساخته شده اند در دستان هنرمند صنعت کار به زیبایی هر چه تمامتر به کار گرفته میشود.

معرق به معنای نوعی از چیدمان است که تکه های ریز چوب را در کنار یکدیگر شکل می دهد. تکه های ریز چوب های رنگارنگ طبیعی در کنار یکدیگر تبدیل به اشکالی زیبا و چشم نواز خواهند شد.

خراطی

خراطی شیوه‌ای از تولید محصولات چوبی است که طی آن و توسط ابزار و وسایل مختلف و عمدتاً به وسیله دستگاه خراطی اشیایی نظیر گهواره، پایه آباژور، پایه میز، دسته، دسته پیچ گوشتی، شمعدان و ظروف مختلف ساخته و پرداخته می‌شود.

خراطی ساختن اشیا از چوب است که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

خراطی چوب یکی از صنایع دستی سنتی ایران است که از زمان‌های قدیم در این مرز و بوم رواج داشته و به‌طور معمول در مناطقی از کشور که چوب در آنجا بیشتر یافت می‌شود رایج است.

در هنر خراطی اشیاء به صورت متقارن ساخته می‌شود اغلب از چوبهای نرم و اندکی مرطوب برای این کار استفاده می‌کنند.

هنر خراطی از تراش و شکل بخشیدن به چوب در اثر حرکت دورانی دستگاه خراطی حاصل می‌شود. سابق بر این دستگاه خراطی مشتمل بر چند ابزار دستی بود که از چوب ساخته و پرداخته می‌شد در حال حاضر این دستگاه از دو بازوی فلزی تشکیل شده است که با قرار گرفتن و محکم شدن حجم چوبی میان آنها، وبا چرخش چوب حول یک محور کار و با استفاده از میله‌های فلزی (مغار) هر کدام در ایجاد فرو رفتگی یا خراشیدگی خاصی استفاده می‌شوند (بر حجم چوبی، شکل مورد نظر را ایجاد می‌نمایند)

نگارگری یعنی نقاشی اصیل ایرانی

نگارگری ایرانی به عنوان هنری برگرفته از مفاهیمی چون تعالی روح و رسیدن به عالم معنا و جاودانگی با نگرش حقیقت‌گرا و هنر قدسی در سراسر دنیا شناخته شده است

در حقیقت نگارگری مفهوم عام دارد و روش‌ها و سبک‌های گوناگون نقاشی ایرانی را شامل می‌شود چه آنها که در کتاب و نسخه‌های خطی صورت گرفته و شامل تذهیب، حاشیه‌سازی، جدول کشی گل و مرغ و چه آنها که بر دیوار بناها و بوم‌های دیگر انجام شده است.

میناکاری

میناکاری یا میناسازی هنری است با سابقه‌ای در حدود پنج هزار سال که زیرمجموعه صنایع دستی جای گرفته است.

امروزه این هنر بیشتر بر روی مس انجام می‌شود، ولی می‌توان بر روی طلا و نقره نیز آن را به عمل آورد

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

طلا تنها فلزی است که به هنگام ذوب شدن مینا اکسید نمی‌شود از اینرو امکان اجرای طرحی همراه با جزئیات و با شباهت هر چه تمامتر بر روی مینا را ایجاد می‌کند در حالی که میناهای مسین و نقره‌ای چنین کیفیتی را ندارند.

شکل‌گیری مینا نیز از ترکیب اکسیدهای فلزات و چند گونه نمک در مجاورت حرارت بالا (۷۵۰ تا ۸۵۰ درجه سانتی‌گراد) است که رنگ‌ها در طول زمان و بر اساس دما بوجود می‌آیند.

امروزه در ایران کانون تولید میناکاری شهر اصفهان است و استادان برجسته‌ای در تولید آثار مینا مشغول به فعالیت هستند.

مینا کاری در لغت به چه معناست؟

نزدیک‌ترین معنای لغوی برای مینا به معنی آسمان آبی است.

مینا کاری هنری است که طرح‌های متفاوتی که معمولاً با قلم سفید است بر روی ظروف مسی، نقره‌ای و طلایی نقش می‌شود

رنگ زمینه زیر نقوش معمولاً به رنگ‌های آبی، سبز و گاهی قرمز است که اگر به چشم هنر به داخل ظروف منقوش مینا بنگریم یادآور پهنای زیبای آبی آسمان باشد.

شاید به همین خاطر است که اسم این هنر را مینا کاری نامیده‌اند.

خاتم کاری

تعریف خاتم کاری در دایره المعارف فارسی «هنر آراستن سطح اشیاء به صورتی شبیه موزائیک ، با مثلث های کوچک. طرح های گوناگون خاتم همواره به صورت اشکال منظم هندسی بوده است .

این اشکال هندسی را با قراردادن مثلث های کوچک در کنار هم نقش بندی می کنند .

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

مثلث ها را از انواع چوب ، فلز و استخوان می سازند. هرچه مثلث ها ریزتر وظریفتر باشند، خاتم مرغوب تر است

هنر اسلامی

هنر اسلامی یا هنرهای مسلمانان به مجموعه شیوه‌ها یا آثار هنری اطلاق می‌شود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان آفریده شده‌است.

هرچند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگ اسلامی و منطقه‌ای در آن به‌خوبی نمایان است.

هنر اسلامی یکی از دوران‌های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به‌شمار می‌آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری، خوشنویسی، نقاشی، سفالگری و مانند آن‌ها می‌شود.

هنر اسلامی هنری نیست که فقط به آیین اسلام ارتباط داشته باشد.

اصطلاح «اسلامی» نه تنها به مذهب، بلکه به فرهنگ غنی و متنوع مردمان سرزمین‌هایی که آیین اسلام در آن رواج دارد نیز اشاره می‌کند

عمده آنچه بر شکل‌گیری و تزئین بناهای صدر اسلام تأثیر گذاشت ویژه مسلمانان بود و این تأثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که پیش از اسلام به‌آن شکل و صورت وجود نداشت.

کاشی کاری

هنری که بیشتر در دیوار و سقف های اماکن مذهبی دیده می شود

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

. هنر کاشی کاری از عناصر مهم در معماری ایرانی بعد از اسلام است که به جهان اسلام سرایت کرد. “منتسب به کاشان”؛ این تنها جمله و تعریفی است که از ریشه کلمه کاشی بدست می آید. و به احتمال زیاد اولین کاشی ها در ایران در شهر کاشان تولید شده اند.

تذهیب

تذهیب یا زراندود یا طلاکاری

را می توان مجموعه ای از نقش های بدیع و زیبا دانست که

نقاشان برای هرچه زیباتر کردن

کتاب های مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی،

دیوان اشعار، و قطعه های زیبای خط به کار می برند

لغت تذهیب واژه ای عربی است و مصدری از «ذهب» در باب تفعیل است.

ذهب به معنای طلاست و تذهیب به معنای طلاکاری و زراندود کردن است

از طرفی رنگ طلایی در هنر تذهیب به عنوان رنگ درخشانی است که ارزش ویژه ای دارد برای همین

تذهیب را زر گرفتن و طلا کاری دانسته اند.

به هر حال تذهیب را می توان مجموعه ای از نقش های بدیع و زیبا دانست که نقاشان برای هرچه زیباتر

کردن کتاب های مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی، دیوان اشعار، جُنگ های هنری و قطعه های زیبای خط به کار

می برند.

استادان تذهیب این مجموعه های زیبا را در جای جای کتاب ها به کار می گیرند تا صفحه های زرین

ادبیات جاودان و متون مذهبی سرزمین خود را زیبایی دیداری ببخشند.

تشعیر

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

تشعیر اصطلاح و روشی در تذهیب و نقاشی ایرانی یا نگارگری است و در آرایش کتاب یا قطعات خط و مینیاتور استفاده می‌شود.

در تشعیرسازی یا تشعیراندازی، حاشیه صفحه‌ها را با نقش مایه‌هایی از حیوان، مرغ، گل و گیاه می‌آرایند.

زنگ‌ها در تشعیر محدود و اغلب از رنگ طلا استفاده فراوان می‌شود.

در واقع تشعیر نوعی تزئین نسخ خطی است که در حاشیه نسخ، معمولاً با یک یا دو و حتی با سه رنگ طلا انجام می‌گیرد.

تشعیر، نقوشی از یک یا دو رنگ است که در حاشیه و سرفصل‌های برخی کتاب‌ها و در و دیوار و پرده‌ها و فضاهای موجود در مجلس‌سازی‌ها و پرده‌های نقاشی ایرانی کشیده می‌شود و در جلدسازی و قلمدان‌سازی و قلم‌زنی بر روی فلز و نیز خطاطی دیده شده‌است

تشعیر از شعر (مو) گرفته شده‌است و به نقوش بسیار ریز از گیاه و پرنده و درخت اطلاق می‌شود.

از آنجا که طراحی تشعیر که در اصل طراحی حیوانات و منظره و اقسام آن است، اغلب با طلا و به وسیله

قلم موهای بسیار ظریف انجام می‌گرفته‌است، ظرافت خطوط را به مو تشبیه کرده‌اند

طرح‌ها و نگاره‌های غالب در ساختن تشعیر، بیشتر صخره سنگ‌ها،

حرکات ابر و باد، درختان متنوع، حیوانات خیالی و افسانه‌ای مانند

سیمرغ و اژدها، حیوانات وحشی در حال جست و خیز، پرندگان

و حیوانات کوچک با قلم اندازی‌های استادان و استفاده بی‌دریغ از طلای ناب است

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

تفاوت‌های تذهیب و تشعیر

تذهیب و تشعیر بخشی از هنر نگارگری محسوب می‌شوند که در خدمت تزئینات و حاشیه‌سازی صفحات قرآنی، ادعیه و خط‌نوشته‌ها بوده و در این زمینه هنری به کار می‌روند.

با این وجود تفاوتی در تکنیک اجرایی و اشکال و نقوشی که در این دو هنر ترسیم می‌شوند وجود دارد

1* تذهیب هنری مجرد و ماهیتاً تزئینی است که معمولاً در تزئینات حواشی صفحات قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نقوش این هنر حاوی مجموعه از طرح‌های اسلیمی و همچنین هندسی است که به شکل قرینه در اطراف یک طرح به اجرا درمی‌آید.

تفاوتی که این هنر با تشعیر دارد در این است که در تشعیر به جای استفاده از نقوش اسلیمی و هندسی، نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی طراحی می‌شود

2* البته از آنجایی که تشعیر مشتقی از واژه مَشعر به معنای مو است لذا در فضای میانی نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی به کار رفته در این هنر با خطوطی منحنی به باریکی یک تار مو نیز مواجهیم که با پیچش‌های خاص خود حاصل چرخش قلمو، اجرا می‌شوند.

3* البته تشعیر بیشتر در حاشیه‌سازی و تزئینات آثار تصویری و نگارگری و خط‌نوشته‌هایی همچون اشعار و کلمات قصار به کار می‌رود و در زمینه تزئین صفحات قرآنی بیشتر از تذهیب است که استفاده می‌شود.

4* در اجرای تشعیر هم نوعاً از ورقه‌های طلا و یا مرکبی حاصل از مخلوط آب و پودر طلا استفاده می‌شود؛ مسئله‌ای که هنر تشعیر را تبدیل به هنری پرهزینه می‌کند که نمی‌توان آن را در تعداد زیادی از یک محصول واحد تکرار کرد و معمولاً آثار تشعیر در یک تک نسخه اجرا و عرضه می‌شوند.

تعریف ارتباط

فرایند انتقال پیام از سوی فرستنده به گیرنده مشروط بر آن که بین آنچه که در ذهن فرستنده بود. با آنچه در ذهن گیرنده شکل می‌گیرد مشابهت معنی وجود داشته باشد.

ارتباط زمانی شکل می‌گیرد که هدفی در آن وجود داشته باشد و قصد داشته باشیم پیامی را به طرف مقابل

خود منتقل کنیم. فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده به عنوان تعریف ارتباط را برخی صاحب نظران

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

شرطی برایش قائل شدند مبنی بر اینکه من که فرستنده پیام هستم و میخواهم برای گیرنده ، پیامی ارسال

کنم، بین معنی ای که از پیام در ذهن گیرنده شکل می گیرد با معنی مورد نظر فرستنده مشابهت معنی

وجود داشته باشد. اگر این اتفاق رخ دهد میگوییم جریان ارتباطی بین ما شکل گرفته است. مثال: اگر یک ژاپنی در این کلاس باشد، به لحاظ شکلی در فرایند ارتباطی است ، اما چون نمی تواند پیام را رمز گشایی کند ، بنابر این ارتباطی بین ما شکل نگرفته است.

ارتباط چیست؟

ارتباط عبارتست از فن انتقال اطلاعات و افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر است.

به طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیامهای خود به ایشان از وسایلی استفاده می کنند (مانند وقتی می خندد).

کلمه ارتباط معرف تمام جریانهایی است که به وسیله آنها یک اندیشه می تواند اندیشه دیگری را تحت تأثیر قرار دهد و به عبارت دیگر ارتباط سبب می شود که وجدان انسان در وجدان دیگران تصاویر، مفاهیم، تمایلات و رفتارها و آثار روانی گوناگونی پدید آورد

ارتباط: communication

کلمه ارتباط به طور مفرد به معنای جریانی است که ضمن آن یک پیام از یک منشأ به یک مخاطب منتقل می شود و به زبان ساده می توان گفت ارتباط شامل چگونگی بیان یک مطلب به یک فرد است.

ارتباطات: communications

کلمه ارتباطات به صورت جمع معمولاً به **وسایل و روش های ارتباطی** اطلاق می شود. از این لحاظ یک روزنامه یک سازمان رادیویی و تلویزیونی ... از نوع ارتباط به شمار می روند.

آیا ارتباطات آموختنی است یا ارثی؟

ارتباطات آموختنی است و ارثی نیست.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

(نظریه یادگیری اجتماعی نظریه پاداش و خطاها - نظریه شرطی شدن پاولف) و خیلی از نظریه های دیگر نشان می دهد که

ارتباطات آموختنی است

هر چند مقداری از عوامل ارثی است

ولی افراد از محیط میآموزند



مدل ارتباطی

مدل ارتباطی

{ به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

{ هنر و ارتباطات }



ارتباط مفهومی میان ارتباط و اطلاع

بین ارتباط و اطلاع نسبت کل و جز برقرار است

یعنی هر خبر و اطلاعی نوعی ارتباط است

اما هر ارتباطی اطلاع و خبر نیست

برای اطلاع و خبر دو عنصر اساسی منتشر شدن و نو بودن وجود دارد که هر نوع ارتباط مستقیم نظیر گفت‌وگو و مکاتبه با لزوم اعلان و انتشار، از قلمرو شخصی و خصوصی خارج می‌شود .

به این ترتیب خبر در قلمرو امور جمعی، اجتماعی و عمومی قرار می‌گیرد

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

ارتباط و اطلاع

نسبت کل و جزء بین ارتباط و اطلاع برقرار است یعنی هر خبر و اطلاعی یک نوع ارتباط تلقی می شود ولی هر ارتباطی، اطلاع و خبر محسوب نمی شود.

انواع خبر

عنصر نو بودن خبر از گسترش شمول آن به اطلاعات مربوط به گذشته یا وقایع و فعالیت های تکراری و مداوم جلوگیری می کند.

زیرا این نوع وقایع و فعالیت ها معمولاً موضوع مطالعات ادبی، هنری، فرهنگی و... می باشد و جنبه خبری ندارد . پس تنها به یک اقدام جدید و یک واقعه یا حادثه تازه می توان خبر اطلاق کرد.

خبر به دو نوع تقسیم می شود

1* معمولی

2* تازه

1* خبر معمولی شامل اطلاعاتی است که درباره اقدامات و وقایع به دست می آید. در این نوع اطلاعات هر چند عنصر نو بودن اهمیت فراوان دارد در عین حال اگر در انتشار آنها تغییری رخ دهد اشکال اساسی ایجاد نمی شود

2* در خبرهای تازه چنان که از نام آنها پیداست عنصر نو بودن اهمیت بیشتری دارد در حالی که اگر این نوع خبرها انتشار نیابد در ساعات و دقایقی بعد قابل استفاده نیستند. به همین سبب خبرهای تازه به فاسد شدنی کالا مثل سبزی تشبیه کرده اند.

ارتباط موثر چیست؟

عموما ارتباطات، زمانی موثر است که محرکی را به عنوان آغاز مورد نظر فرستنده با محرک گیرنده در یک راستا قرار دهید و آن دو به گونه ای نزدیک به هم مورد توجه قرار گیرند تا تفاهم برقرار گردد.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

ارتباطات زمانی کامل است که :معنی و مفهومی که از ذهن فرستنده بوده و قصد ارسال آنرا دارد معنی مورد نظر یا منظور)، با آنچه گیرنده از آن دریافت می کند و از خود نشان می دهد (معنی مورد مشاهده یا شاهد) یکی باشد.

هر فراگرد ارتباطی همه آنچه در ذهن فرستنده است به گیرنده منتقل نمی شود یا اگر منتقل شود به مرحله جذب نمی رسد و یا به گونه مشهود مشاهده نمی گردد

انواع ارتباط

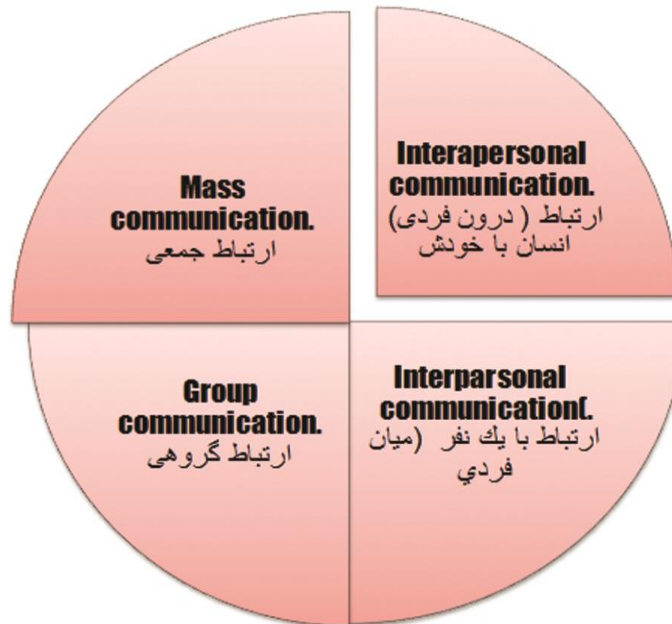
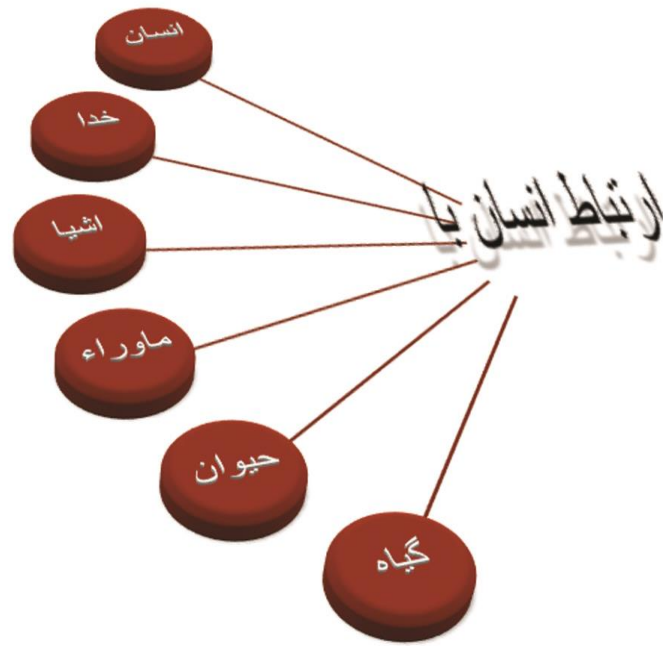
ارتباط انسان با

(1) انسان (2) خدا (3) ماوراء (4) اشیاء (5) حیوان (6) گیاه

انواع ارتباط انسان با انسان

{ به نام تعالیٰ } { مدرس : ناهید خوشنویس }

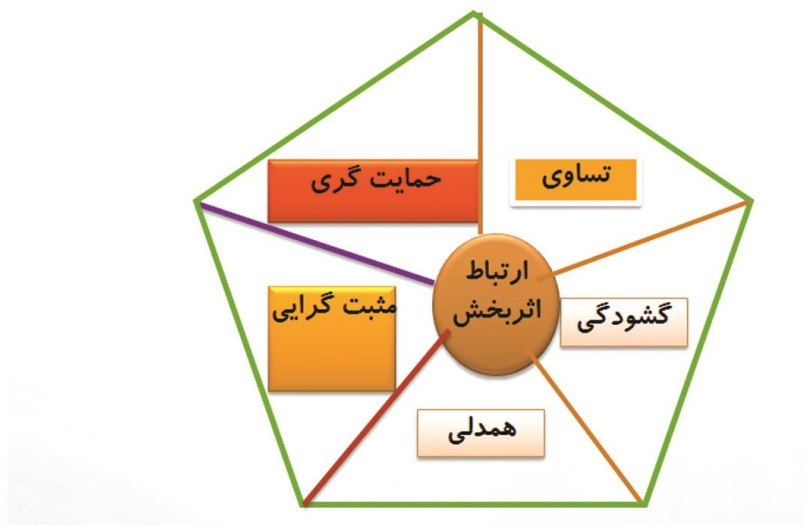
{ هنر و ارتباطات }



اثرات برقراری ارتباط موثر با دیگران:



ارتباطات اثربخش



{ هنر و ارتباطات }

{ به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

نیاز به برقراری ارتباط خود ناشی از:

نیازهای مادی

نیاز به امنیت

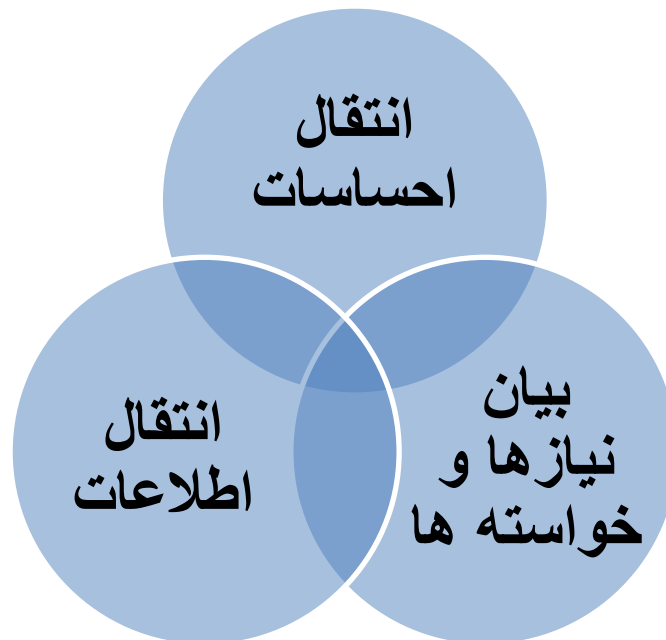
نیاز به تعلق و احترام

نیاز به صمیمیت

نیاز به حمایت و تأیید

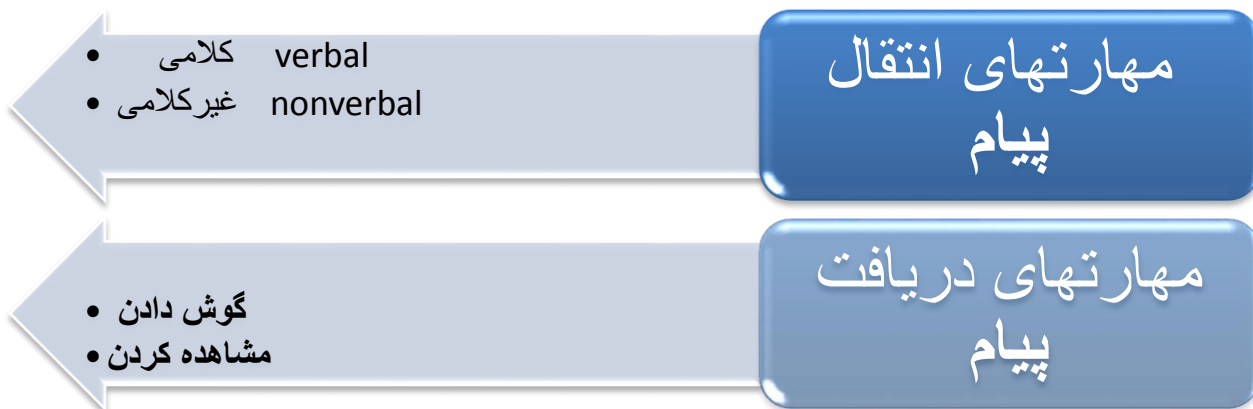
هدف برقراری ارتباط

انتقال پیام است در قالب :



{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالیٰ } { مدرس : ناهید خوشنویس }

انواع مهارتهای ارتباطی شامل :



الف) کلامی ب) غیرکلامی

ارتباط غیر کلامی	ارتباط نوشتاری	ارتباط گفتاری
	یادداشت ها	رو در رو
زبان ایما و اشاره	نامه ها	جلسات
	گزارشات	ارائه
حالات چهره	ایمیل، پیام کوتاه	تلفن
	آگهی های دیواری	پست تصویری
حالت بدن	تصاویر	وب کم
	خبرنامه ، روزنامه ، و.....	رسانه های
تصاویر	صوتی ، تصویری	

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالیٰ } { مدرس : ناهید خوشنویس }

• آلبرت محرایان " 93٪ ارتباطات غیر کلامی و 7٪ ارتباطات کلامی می‌باشند.

(1) کلمات

(2) لحن کلام **غیر کلامی شامل**

(3) زبان بدن

تعریف زبان بدن: همان تم یا تن و لحن و نوع بیان است که قراردادی است که بین اعضای یک جامعه بسته شده است.

بن بست دو سویه

هنگامی که پیام کلامی، به همراه برخی حرکات مانند حرکات دست‌ها و یا چهره و ... ادا می‌شوند و در انتقال برخی مفاهیم تاکید می‌کنند و یا توجه شنونده را جلب می‌کنند، در واقع به درک صحیح و اصولی پیام کمک می‌کنند، در این صورت می‌توان گفت که پیام‌های کلامی را تقویت کرده‌اند.

اکنون چنانچه پیام کلامی با پیام غیر کلامی (حرکات بدن، چهره و دست) در تضاد با هم بوده و یا مغایرتی داشته باشند، تعبیر و تفسیر آن دشوار خواهد بود و این حالتی است که پیام غیر کلامی ما، که شامل برخی از حرکات است، در جهت نفی پیام کلامی است. مثلاً به هنگامی که پرسشگر در کلاسی که استاد نیز حضور دارد، از ما در مورد نحوه ارتباط، توانایی، شیوه تدریس، شیوه کردار و رفتار وی پرسش می‌کند، در حالی که با زبانمان از وی تعریف می‌کنیم، ممکن است با چشمانمان و یا با تکان دادن سر گفته‌هایمان را به نوعی تکذیب کنیم

آنجایی که بین

پیامهای کلامی

و غیر کلامی

تناقض وجود دارد

افراد عموماً به

جنبه های غیر کلامی

بیشتر اعتبار می دهند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

پیامها از طریق غیرکلامی به سه حالت قابل ارسال است:

1) زبان علامات:

زمانی آن را بکار می بریم که حرکات را جایگزین کلمات کنیم .

مانند نمادها؛ مثل علامت پیروزی

2) زبان عمل:

حالت فیزیکی بدن طرف مقابل می تواند پیام را به شما منتقل کند

مثل حالت چشم و بالانداتن ابرو.

3) زبان اشیاء:

نمایش ارادی یا غیرارادی کالاهای مادی که توسط انسانها بکار گرفته می شود . مثلا بستن کراوات در غرب، لباس سیاه و

ویژگیهای فراگرد ارتباطی

فراگرد ارتباطات از 5 ویژگی مهم برخوردار است:

1. ارتباطات یک **فراگرد** یا **جریان مداوم** است. یعنی جریان ارتباطی هیچ وقت قطع نمی شود و حتی منزویترین آدمها هم حداقل ارتباطات را دارند. جاری است مثل آب رودخانه
2. فراگرد ارتباطات **نظامگر** است یعنی تابع نظم و سیستم است.
3. Transaction. فراگرد ارتباطی **میان کنشی** است.
4. ارتباطات میتواند **ارادی و غیرارادی** باشد
5. فراگرد ارتباطی مبتنی بر وظیفه است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

جریان ارتباطی از یکسری وظایفی برخوردار است که در ذیل به آن اشاره میشود.

1. وظیفه پیوستگی: رابطه بین دو طرف را در جریان ارتباطی به هم وصل میکند.

2. وظیفه اطلاعاتی: تبادل اطلاعات در ارتباطات (انسان در جریان ارتباطی تبادل اطلاعات میکند).

3. وظیفه تأثیرگذاری: طرفین جریان ارتباطی تلاش میکنند روی هم تأثیر بگذارند.

4. وظیفه تصمیم گیری: که آیا جریان ارتباطی بین انسانها ادامه پیدا کند یا خیر.

5. وظیفه تصدیق: تصدیق ادامه جریان ارتباطی.

جایگاه ارتباط جمعی

نگاه مطالعاتی به تأثیراتی که علم جامعه شناسی بعد از شکل گیری در فضای اجتماعی داشته است، نگاه

مطالعاتی به سمت بررسی ابعاد و تأثیرات و تحولات و همچنین تفاوت های محیطی جوامع از سوی

جامعه شناسان سوق یافته است.

گیدنز معتقد است که جامعه شناسی نقش کلیدی در فرهنگ فکری امروز بازی میکند زیرا معتقد است تفکر

جامعه شناسانه بیش از هر چیز به خودشناسی فرد کمک میکند که این امر به نوبه خود به شناخت بهتر فرد

اجتماعی از دنیای روابط اجتماعی یاری میرساند.

آن چیزی که مهم است توجه به این نکته است که دانش اجتماعی همواره با تحولات جوامع به آیتم های

جدید میرسد و بستر یافته هایش دچار تحول می شود.

بنابراین در دانش علوم اجتماعی دانش انباشته شونده های مانند علوم طبیعی موجود نیست. بنابراین جامعه

شناسی را باید در ردیف علوم پویا قرارداد که موید این نکته است که کتابخانه عظیم مطالعات اجتماعی انسان در جوامع مختلف است.

برای بررسی نقش و جایگاه وسایل ارتباط جمعی از دیدگاه مطالعات اجتماعی آن دو نگرش کلی یعنی دو

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

فلسفه وجود دارد

1* که یک گروه رسانه را بعنوان عوامل دفاع از آزادی های اجتماعی می دانند

2* و گروه دوم وسایل ارتباط جمعی را بعنوان عامل محدودیت ساز اجتماعی معرفی میکنند.

بنابراین وسایل ارتباط جمعی بنا به تعبیر مطالعات در گروههای فکری مختلف نقش ها و تاثیرات متفاوتی را

در جوامع انسانی ایفا کردهاند

. به منظور بررسی عمیق در دوران معاصر اهمیت رسانه ها در جریانات فکری ونحله های مختلف قابل بررسی است.

وظایف وسایل ارتباط جمعی

فرهنگ سازی

آموزش

اطلاع رسانی

ایجاد مشارکت اجتماعی

"لاسلول" در مقاله ای به عنوان " ساخت و کارکرد ارتباطات در جامعه" از وظایف دیگری برای وسایل ارتباط جمعی نام می برد :

(علاوه بر اطلاع رسانی و بیان عقاید)

حراست از محیط / همبستگی میان اجزای جامعه / انتقال میراث های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر

1. هر رسانه ای که متولد میشود، نمیگوید که میخواهد وحدت جامعه را از بین ببرد یا برای ایجاد گسست در بین بخشهای مختلف جامعه آمده است بلکه میگوید من برای همبستگی آمدهام و برای مثال بین نهاد آموزش و بهداشت ارتباط برقرار کند

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

برای مثال رسانه به کمک آموزش و پرورش و نهاد خانواده می آید و جریان ارتباطی بین مخاطبان خود ایجاد میکند.

2. وظیفه حفظ و حراست از محیط:

همه رسانه ها وظیفه شان این است که از محیط زندگی بشر حراست و حفاظت کنند.

اگر بیماری در سطح جامعه ایجاد میشود رسانه ها سعی میکنند با افزایش آگاهی مخاطبان خود در مورد آن، امکان حفاظت و مراقبت در برابر آن بیماری را در مخاطبان خود ایجاد کنند.

رسانه ها در شرایط مختلف به مخاطبان خود اطلاعات و آگاهی میدهند و آنها را واکسیناسیون میکنند در برابر بسیاری از اتفاقاتی که ممکن است بیفتد.

3. وظیفه انتقال آداب و سنن از نسلی به نسل دیگر:

ما اگر اطلاعات خود در خصوص آداب و سنن را از طریق رسانه دریافت می کنیم. در واقع آداب و سنن که در گذشته به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل میشد الان اتفاق نمیافتد و رسانهها وظیفه این انتقال را به عهده گرفته اند . مثال : عید نوروز و سنن و ارزشها که توسط رسانه اطلاعرسانی میگردد.

وظایف رسانه‌های جمعی زمانی تحقق پیدا میکند که این وسایل یک سری نقش هایی را برای خودشان

تعریف کنند یعنی نقشها شکل کارکردی پیدا کنند و فعالیت رسانهها براساس این نقشها شکل گیرد و

تعریف شود و آن وظیفه ها تحقق پیدا کند

کارکرد رسانه ها

الف) کارکرد نظارتی؛ یکی از مهمترین کارکردهای رسانه خبری، **نظارت بر محیط** است. کارکرد نظارت و حراست از محیط، شامل **رساندن اخبار توسط رسانهها** می شود؛ که برای اقتصاد و جامعه ضروری است. مانند گزارش اوضاع سهام، ترافیک و شرایط آب و هوایی

ب) کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ؛

ج) کارکرد سرگرم سازی و پرکردن اوقات فراغت

د) کارکرد نوگرایی و توسعه

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

ه) کارکرد همگن سازی:

وسایل ارتباط جمعی، موجب نزدیکی سلیقه‌ها، خواستها و انتظارات تمامی ساکنان یک جامعه شده و جوامع را از عصر محدوده‌های جدا خارج می‌گردانند

ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا را ناپدید کرده و به نوعی تشابه میان تمامی ساکنان یک جامعه به وجود می‌آورد و مردم آن جامعه، از سبک زندگی و علایق و خواسته‌هایی که رسانه‌های جمعی ارائه می‌دهند، پیروی می‌کنند

ز) کارکرد بحران‌زدایی؛ رسانه‌های گروهی می‌توانند در عرصه مقابله با بحران‌های اجتماعی، به ایفای نقش بپردازند و در کاهش بحران‌های مختلفی مانند بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی، کارکرد مؤثری داشته باشند

ح) کارکرد آگاه‌سازی

ط) اعطای پایگاه اجتماعی؛ این وسایل با دادن معرفیت به اشخاص و گروه‌ها به آشکار کردن یا ارتقای پایگاه‌های آنان می‌پردازند

ک) حمایت از هنجارهای اجتماعی؛ (وظیفه اخلاقی)

ل) انتقال میراث‌های فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر؛

م) نقش و کارکرد بیان عقاید

ن) ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی

ی) کارکرد تبلیغی

تأثیر هنر بر جامعه و جامعه بر هنر

در بررسی دوره‌های زمانی تاریخ متوجه می‌شویم که هنر و جامعه ارتباطی تنگاتنگ و دو سویه داشته‌اند که در اینجا به نکاتی از آن اشاره خواهد شد.

تأثیر: اثر گذاشتن، دخالت کردن، دخالت دادن، اعمال کردن، لحاظ کردن

جامعه: مجموعه‌ای از انسان‌ها که در کنار هم تشکیل خانواده، قبایل، روستا، شهر، کشور و جهان را می‌دهند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

هنر: واژه‌ایست وسیع، محصولی است از زندگی بشر، خاص انسان است نه موجود دیگر (نوعی بیان، اجرا)

ارتباط بشر با طبیعت و روابط انسان‌ها با یکدیگر عامل اصلی پیدایش هنر و ادامه آن است.

هنر می‌تواند بر شیوه‌های زندگی اجتماعی، اعتقادات مذهبی، باورهای اخلاقی، عادات و آداب و رسوم سنن، سیاست‌های حاکم بر جامعه و در کل فرهنگ معنوی جامعه اثرگذار باشد.

هنر اثر بسزایی بر ارتقاء سطح کیفی و در رشد فکری فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه خواهد گذاشت.

هنرها تعیین‌کننده‌ی تحولات جوامع هستند و به آن‌ها شکل می‌دهند و متقابلاً سیاست‌های دولت‌ها و مدیریت حاکم بر جامعه می‌تواند هنر را تحت‌تأثیر فراوانی قرار دهد.

در عصر و زمان‌های مختلف، عصر پارینه‌سنگی، نوسنگی، مفرغ، آهن و شیوه‌های مختلف زندگی کشاورزی، دانداری جوامع کهن باستانی تا شهرنشینی و پیشرفت صنعت و تکنولوژی فعلی، هنر با تغییرات زندگی مردم دگرگون شده و با حفظ ذات، شکل بیرونی‌اش تغییر یافته به طوری که با رشد و پیشرفت جوامع در دوره‌های مختلف تاریخ بتدریج در هنر این دگرگونی شکل گرفته و در هر زمان به تناسب و وضعیت خاص جامعه، محتوا و قالب خاص یافته است.

باتوجه به اینکه هنر نیاز فطری بشر است و جزء لاینفک زندگی بشر است باید به شکلی ارائه شود که کارساز راهگشا روحیه دهنده باشد و برای رفع نیاز جسمی و روحی انسان‌ها ایجاد نقش کند نه برای ایجاد مشکل، فساد، گمراهی، تباهی، سد کننده، آزار دهنده و انرژی منفی دهد و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نقش آن در ترویج افکار، رفتار، ارزش‌ها و باورها در بین جامعه بسیار موثر است.

جامعه‌شناسی هنر

جامعه‌شناسی هنر یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است. جامعه‌شناسی هنر دانشی دوزیستی است که از دو رکن **هنر و جامعه‌شناسی** تشکیل یافته است.

جامعه‌شناسی هنر عمر کوتاهی در عرصه حیات معرفتی و اجتماعی دارد. متفکران این رشته درباره علمی بودن این رشته توافق نظر ندارند و برخی این رشته را یک رشته علمی نمی‌دانند بنابراین هنوز موضوع مشخص و واحدی برای آن در نظر گرفته نشده است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

ولی به طور اجمالی جامعه‌شناسی هنر را می‌توان این‌گونه تعریف کرد. جامعه‌شناسی هنر بررسی می‌کند که چگونه گروه‌های مختلف انسانی برای پدید آمدن هنر با همدیگر همکاری و کنش متقابل برقرار می‌کنند و چگونه در یک جامعه، هنر را به کار می‌برند و هنر در زندگی آن‌ها چه نقش و جایگاهی دارد.

تعاریف کلی و چندگانه بالا از دید جامعه‌شناسان نه تنها مشکل‌گشا نیستند بلکه خود به‌عنوان یک معضل یا مسئله مطرح می‌شوند و به‌صورت دقیق موضوع و قلمرو جامعه‌شناسی هنر را مشخص نمی‌کند. بنابراین تعریف جامع و مانعی از جامعه‌شناسی هنر وجود ندارد

رهیافت‌ها در جامعه‌شناسی هنر

سه رویکرد کلی برای جامعه‌شناسی هنر می‌توان در نظر گرفت:

رهیافت اول: هنر و جامعه؛ این افراد در صدد ارتباط برقرار کردن میان جامعه و هنر هستند.

رهیافت دوم: هنر در جامعه؛ این رویکرد به بررسی جایگاه هنر در جامعه می‌پردازد.

رهیافت سوم: هنر به مثابه جامعه؛ یعنی مجموع کنش‌های متقابل کنشگران، نهادها، اشیا به‌گونه‌ای باهم تحول می‌یابند تا آنچه را که عموماً "هنر" می‌نامند تحقق یابد.

نظریه‌ها

در پرداختن به مباحث جامعه‌شناختی هنر می‌توان از دو دسته از نظریه‌پردازان و اندیشمندان در این باب سخن به میان آورد. یکی اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی و دیگری جامعه‌شناسان معاصر.

از میان جامعه‌شناسان کلاسیک می‌توان به آراء و نظریات کارل مارکس

و از جامعه‌شناسان معاصر می‌توان به آراء و نظریات میشل فوکو و پیر بوردیو اشاره کرد.

کارل مارکس

مارکس یکی از اندیشمندان کلاسیک در جامعه‌شناسی هنر است.

مارکس در تحلیل‌های خود از یک الگوی روبنا و زیربنا استفاده می‌کند. طبق مفهوم مارکس واقعیت‌های اقتصادی ریشه (زیربنا) همه ایدئولوژی‌هاست که یکی از این ایدئولوژی‌ها هنر است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

بنابراین واقعیت‌های اقتصادی می‌توانند منشا و زیربنای به‌وجود آمدن بسیاری از ایدئولوژی‌ها و از جمله هنر باشد و اگر اوضاع اقتصادی و شیوه تولید در یک جامعه‌ای دگرگون شود هنر و جامعه هنری نیز دگرگون خواهد شد.

مارکس می‌گوید: «تکامل سیاسی، حقوقی، فلسفی، مذهبی، ادبی، هنری و مانند آن بر تکامل اقتصادی استوار است.

با این حال همه این‌ها در یکدیگر و نیز در شالوده اقتصادی تاثیر می‌گذارد این نه بدان معناست که موقعیت اقتصادی علت و یگانه فعال است و هر چیز دیگری تنها تاثیری انفعالی دارد؛ بلکه برعکس کنش متقابل بر اساس ضرورت اقتصادی انجام می‌پذیرد که در نهایت امر همواره خود را بر مسند می‌نشانند.»
یعنی با آنکه ایدئولوژی‌ها تکامل تاریخی مستقل ندارد، تاثیرگذاری تاریخی دارند.

میشل فوکو

فوکو یکی از اندیشمندان معاصر است که موضوعات مورد مطالعه او بسیار گسترده بود. از تاریخ‌های دیوانگی و پزشکی تا ساختارهای دگرگونی‌پذیر دانش در فلسفه و علوم انسانی و از نقاشان و آثار هنری و ... را دربر می‌گرفت.

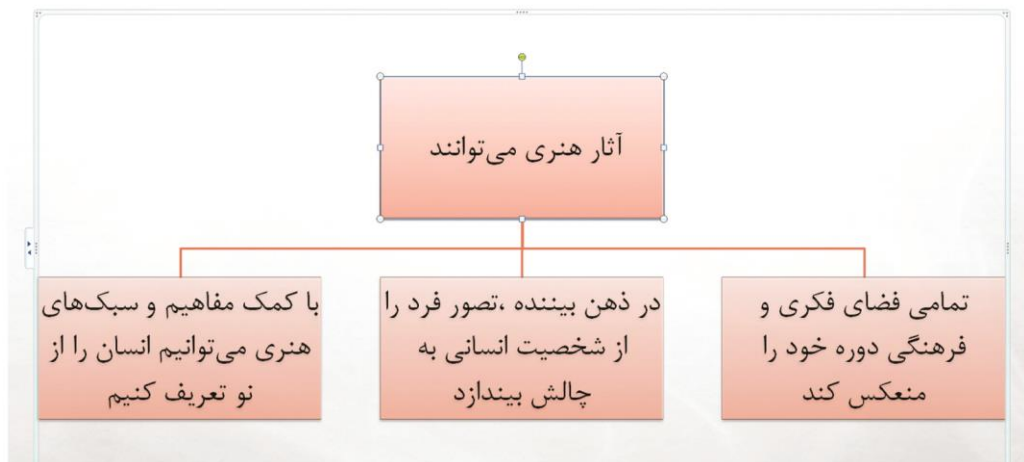
یکی از موضوعات مورد مطالعه فوکو هنر و آثار هنری است که در آن‌ها آثار هنری را مورد بررسی قرار داده است و تاثیر فضای فکری آن زمان را در آن‌ها مورد بررسی قرار داده است. فوکو در بررسی آثار هنری سه نکته را در نظر می‌گرفت:

نخست آثار هنری می‌توانند تمامی فضای فکری و فرهنگی دوره خود را منعکس کند.

دوم، آثار هنری می‌توانند در ذهن بیننده تصور فرد را از شخصیت انسانی به چالش بیندازد.

سوم، با کمک مفاهیم و سبک‌های هنری می‌توانیم انسان را از نو تعریف کنیم

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }



پیر بورديو

مطالعات بورديو در باب هنر در مورد مصرف هنر بخش وسیعی از جامعه‌شناسی وی را تشکیل می‌دهد. بورديو در کتاب عشق به هنر، الگوهای حضور بازدیدکنندگان در موزه‌های فرانسه را بررسی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که بین سلیقه و ذوق هنری افراد و طبقه اجتماعی و فرهنگ آن‌ها رابطه وجود دارد.

افرادی که به هنر انتزاعی اکسپرسیونیستی و هنر پیچیده علاقه نشان می‌دهند

افرادی هستند که از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در سطح بالایی قرار دارند

و افرادی که به هنر کاربردی و تزیینی علاقه دارند

افرادی از لحاظ اقتصادی و فرهنگی سطح پایین هستند.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

اکسپرسیونیسم

EXPRESSIONISM

هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، مخصوصاً عواطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از رنگ‌های تند و اشکال کج و معوج و خطوط زمخت بهره می‌گیرد. اکسپرسیونیسم نوعی اغراق در رنگ‌ها و شکل‌هاست، شیوه‌ای عاری از طبیعت‌گرایی که می‌خواست حالات عاطفی را هرچه روشن‌تر و صریح‌تر بیان نماید

در سال ۱۹۱۱ برای متمایز ساختن گروه بزرگی از نقاشان به کار رفت که در دههٔ اول سدهٔ بیستم بنای کارشان را بر بازنمایی حالات تند عاطفی، و عصیان‌گری علیه نظامات ستمگرانهٔ حکومت‌ها، مقررات غیرانسانی کارخانه‌ها و عفونت‌زدگی شهرها و اجتماعات نهاده بودند.

این هنرمندان برای رسیدن به اهداف خود رنگ‌های تند و مهیج و ضربات مکرر و هیجان‌زدهٔ قلم مو و شکل‌های اعوجاج یافته و خارج از چارچوب را با ایجاد ژرفنمایی و بدون هیچگونه سامانی ایجاد می‌کردند و هر عنصری را که آرامش‌بخش و چشم‌نواز بود از کار خود خارج می‌کردند.

هنر کاربردی

کاربرد طراحی و زیبایی‌شناسی با هدف کارایی و استفاده روزمره است.

در حالی که هنرهای زیبا برای تحریک فکری نظاره‌گر یا حساسیت‌های دانشگاهی ایفای نقش می‌کنند، هنرهای کاربردی، طراحی و آرمان‌های خلاق را با مقصود کاربردپذیری به هم می‌آمیزند؛ همچون فنجان، مجله یا نیمکت تزئینی پارک.

بخش قابل توجهی از حوزهٔ هنرهای کاربردی و هنرهای تزئینی روی هم می‌افتند؛ و تا حدودی این دو عبارات جایگزین هستند.

حوزه‌های طراحی صنعتی، طراحی گرافیک، طراحی مد، طراحی داخلی، هنر تزئینی و هنر عملکردی به عنوان هنرهای کاربردی به شمار می‌آیند.

در واقع منظور از هنرهای کاربردی، هنرهایی است که

نخست کارکرد و سودمندی آنها اهمیت دارد و هدف از خلقشان کاربردشان بوده است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

هنرهای تزئینی

هنرهای تزئینی عبارتی جافتاده برای شماری از هنرها و صنعتها برای ساخت آثار زینتی یا کاربردی است که دامنه وسیعی از مواد از جمله سرامیک، چوب، شیشه، فلز، منسوجات و غیره را شامل می‌شوند.

این حوزه سرامیک‌ها (سفالینه‌ها، ظروف چینی، و غیره)، شیشه‌آلات، مبلمان، اثاث خانه، و طراحی داخلی (اما معمولاً نه معماری) را شامل می‌شود.

هنرهای تزئینی معمولاً در مقابل هنرهای زیبا، شامل نقاشی، عکاسی، و مجسمه‌های بزرگ که هیچ کاربردی به جز نگاه شدن ندارند، قرار داده می‌شود. برخی میان هنرهای تزئینی و هنرهای زیبا بر پایه کاربرد، هدف تعیین شده، اهمیت، جایگاه منحصر به فرد اثر، یا تک هنرمندی بودنشان تمایز قائل می‌شوند. آثار هنرهای تزئینی، یا اثاث خانه، می‌توانند ثابت باشند (برای نمونه، کاغذدیواری)، یا متحرک باشند (مانند، آباژور). هنر کاربردی، هنر تزئینی را شامل می‌شود

در تاریخ هنر، عبارت هنرهای فرعی اغلب برای هنرهای تزئینی استفاده می‌شده است

دسته بندی هنر از لحاظ تأثیرگذاری و ارزش

1- هنر برای اجتماع

2- هنر برای هنر

یعنی هدف هنرمند از خلق آثار هنری اعتلای هنر خویش و تنها بر اساس حس درونی است که دارد بدون اینکه به مخاطب یا خواسته های آن توجه داشته باشد یا آنرا مدنظر قرار بدهد

ارتباط هنر با رسانه

هنر از **2 بعد زیبا شناختی و فنی** قابل تعریف است.

در معنای زیبا شناختی به مجموعه‌ای از آثار یا فرآیندهای انسان ساخته گفته می‌شود که از جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی و یا به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق میشود؛ اما در معنای فنی آن، هنر را در کاربرد تکنیکی آن به مفهوم آشنایی یا تسلط فرد به فوت و فن یا مهارت داشتن در یک زمینه مشخص تعریف شده است.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

تاثیر هنر بر رسانه

حتما باید از هنر تاثیر گرفته شود تا رسانه چه مکتوب و غیرمکتوب و چه شنیداری و یا خبرگزاری و غیره بتواند با بیان نکات خبری و ظریف، بیشترین تاثیر را داشته باشد.

درباره‌ی تاثیر نقاشی و عکس و کاریکاتور می توان گفت: اخبار مکتوب هم‌چون نقاشی، عکس و غیره که نیاز به ترجمه و تالیف ندارند، خود یک هنر است.

این بدین معنی است که با شناسایی مخاطب از نظر سنی و جسمی، شهری و روستایی بودن و سواد بتواند با در نظر گرفتن ریزه‌کاری‌ها بیشترین تاثیر را بگذارند.

همچنین نمی‌شود با یک هنر خاص بر همه‌ی مخاطبان یک تاثیر را داشت؛ اگر توجه کنید، ما با مخاطبان متفاوتی روبه‌رو هستیم، اعم از مخاطب عام، خاص، هوشمند و فعال و غیره که باید بدانیم با هر یک چگونه رفتار کنیم.

درباره این که بیان مسائل اجتماعی با رویکرد هنری تا چه حد می‌تواند بر مخاطب تاثیرگذار باشد:

اگر هنر را به عنوان انتقال پیام در رسانه به کار بگیریم، ابتدا باید توجه کنیم که نیاز جامعه چیست؟ آیا مخاطب می‌خواهد آگاه باشد و از پیرامون خود بیش‌تر مطلع باشد؟ این جاست که رسانه می‌تواند با استفاده از هنر خدماتی خوبی ارائه دهد.

اما اگر بخواهیم به همین شکل رسمی و خشک رفتار کنیم و حالت یک سویه داشته باشیم، در مقابل انتقال پیام، بازخورد خوبی نخواهیم داشت و شاید بیش‌ترین تاثیر با استفاده از هنر امکان‌پذیر باشد.

تاثیرگذاری هنر باید به نحوی باشد که بتواند مخاطب را کاملا آگاه کند و شناختش را نسبت به مسائل پیرامون خود بالا ببرد. استفاده از هنر می‌تواند مانند یک فیلم سینمایی، سریال و فیلم مذهبی و تاریخی با در نظر گرفتن جنبه‌های خاص و ظریف هنر باعث جذب مخاطب شود.

{ هنر و ارتباطات } { به نام تعالی } { مدرس : ناهید خوشنویس }

رسانه‌های جدید و بسترسازی آن‌ها در فرهنگ و هنر

رسانه‌های جدید با توجه به جامعه‌ی خود مخاطب خاص خود را نیز دارد.

برخی از مخاطبان از طریق دنیای مجازی خبری را کسب می‌کنند و برخی نیز نمی‌دانیم از کدام طریق مطلع می‌شوند اما باید این را در نظر گرفت که ما با مخاطب عام روبه‌رو هستیم و همه مخاطبان از اینترنت و رایانه بهره نمی‌برند.

باید با شناختن مخاطب عام خود از نظر کیفی آن‌ها را طبقه‌بندی کنیم و خبرهای دنیای مجازی نیز به روزتر و کارآمدتر باشند.

همین به روز بودن و دائم در حال تغییر بودن و حرکت از رسانه‌های سنتی به دیجیتالی، می‌تواند مفید باشد.